

فوائد حدیث :

- ۱ - از فضل و کرم خداوند تبارک و تعالی است که در برابر عمل کم برائی مسلمانان اجر و ثواب زیاد داده میشود .
- ۲ - یتیمان اگر از جمله خویشاوندان باشند یا از بیگانگان ، سرپرستی آنها بر مسلمانان لازم است .
- ۳ - کسیکه از یتیمان سرپرستی و به ایشان کمک میکند ، در روز قیامت با حضرت محمد ص ، در مقام و منزلت نزدیک قرار خواهد گرفت .

تمرین

- ۱ - یتیم کیست و سرپرستی او بر کدام شخص لازم و ضروری است ؟
- ۲ - سرپرست یتیم در روز قیامت چه مقام و مرتبه ای داشته می باشد ؟
- ۳ - در مورد یتیم چند آیت از قرآن عظیم الشان و نیز حدیث فوق الذکر را حفظ نمائید .

حقوق شوهر بر زن

عَنْ أَنَسٍ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ : قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ :

الْمَرْأَةُ إِذَا صَلَّتْ خَمْسَهَا وَصَامَتْ شَهْرَهَا وَأَحْسَنَتْ فَرْجَهَا وَأَطَاعَتْ بَعْضَهَا فَلْتَدْخُلْ مِنْ أَيِّ أَبْوَابِ الْجَنَّةِ شَاءَتْ .
(رواه ابو نعیم فی الحلیۃ ، مشکوٰۃ ۲۸۱)

معنی حدیث :

از حضرت انس رضی الله عنه روایت است که گفت : رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمودند : وقتی که زن اداء نماید نماز پنجگانه را ، و روزه بگیرد ماه رمضان را و نگهبان در عفت خود را (شرمگاہ خود را) و اطاعت کند شوهر خود را ، پس از هر دری که خواسته باشد (میتواند) بهشت داخل شود .

توضیح معنی حدیث :

زن در پهلوی اینکه باید باوصاف دینی از قبیل ادای نماز پنجگانه
بوقت و زمان معین آن ، روزه گرفتن ماه مبارک رمضان و رعایت
عفت و پاکدامنی متصف باشد ، لازم است از او امر شوهر خود نیز اطاعت
و فرمانبرداری نموده وی را راضی نگهدارد .

حقوق شوهر بر زن در احادیث دیگری نیز مورد تأکید فراوان قرار گرفته
چنانچه از حضرت ابوهریره ^{رضی} روایت است که گفت : برای آنحضرت ^{صلی} علیه وسلم گفته شد که کدام یکی
از زن بهتر است ؟ آنحضرت ^{رضی} در جواب فرمودند : زنیکه با دیدن وی شوهر خوش شود ، و چون
او را بجای امر نماید اطاعت کند ، و در نفس و مالش کاری نکند که مخالف رضایت شوهرش باشد (۱) .
اطاعت از امر شوهر برای زن اجر و ثواب دارد ، ازین سبب است که رسول اکرم ^{صلی}

(۱) عَنْ أَنَسٍ هُرَيْرَةَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ ، قِيلَ لِرَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ :
أَيُّ النِّسَاءِ خَيْرٌ ؟ قَالَ الَّتِي تُسِرُّهُ إِذَا نَظَرَ ، وَتُطِيعُهُ إِذَا أَمَرَ وَلَا تَخَالِفُهُ فِي
نَفْسِهَا وَلَا مَالِهَا بِمَا يَحْزَرُهُ . (رواه ابن ماجه) شكوة ۲۸۳

میفرماید که چنین زن مطیع و فرمانبردار که هم او امر الهی و فرائض دینی خود را
بوجه احسن و اکمل بجای آورد ، و هم در وظایف اخلاقی و پاکدامنی خود کوتاهی
نمیکند ، و در پهلوی این همه شوهرش را نیز راضی و خوش نگهبان دارد . همچنین
زن به آسانی داخل جنت میگردد .

و نیز از حضرت بی بی عایشه رضی الله عنها روایت است که گفت :

آنحضرت صلی الله علیه و سلم فرمودند :

هرگاه کسی را امر میکردم تا انسانی را سجده کند ، هر آینه زن را
به سجده کردن برای شوهرش امر مینمودم .

ولی این همه باین مفهوم نیست که زن بر شوهرش حقوقی ندارد ، بلکه

بالعکس زن را نیز بر شوهر حقوق زیادی است که در مبحث خاص آن بیان
گردیده است .

فوائد حدیث :

زن عقیف ، دیندار و پابند او امر الهی که در عین حال مطیع او امر
شوهرش نیز باشد ، به لطف خداوند (ج) داخل جنت میگردد .

تمرین

- ۱ - از جمله زنان مسلمان کدام یکی بهتر است ؟
- ۲ - در مورد حقوق شوهر بر زن مطالبی را بیان نمائید .
- ۳ - هرگاه زنی از او امر شوهرش همیشه اطاعت نموده ولی در برابر امور دینی بی اعتنا باشد ، باز هم زن خوب گفته میشود ؟
- ۴ - نظر به حدیث فوق الذکر مطیع بودن به شوهر در کدام مرتبه قرار دارد ؟

تاجر صادق

عَنْ أَبِي سَعِيدٍ الْخُدْرِيِّ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ : قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ :

التَّاجِرُ الصَّدُوقُ الْأَمِينُ مَعَ النَّبِيِّينَ وَالصِّدِّيقِينَ وَالشُّهَدَاءِ
معنی بعضی کلمات :

- ۱ - التَّاجِرُ : تاجر شخصی است که به پیشه خرید و فروش اشتغال دارد .
 - ۲ - الصَّدُوقُ : صیفه مبالغه بوده بمعنی بسیار راست گوینده است .
 - ۳ - الشُّهَدَاءِ : کسانی اند که در راه خدا ج، جان داده باشند .
- معنی حدیث :

- ۱ - از حضرت ابی سعید خدری رضی الله عنه روایت است که گفت :
- رسول الله صلى الله عليه وسلم فرمودند : تاجر که (در معامله) خیلی صادق

وامانت کار باشد (روز قیامت) با انبیاء (علیهم السلام) ، صدیقین
و شهباء خواهد بود .

(این حدیث را ترندی روایت کرده است)

توضیح معنی حدیث :

دین مقدس اسلام بر علاقه تنظیم سائر امور اقتصادی ، به
پیشه تجارت ، که رکن مهم و اساسی معاملات اقتصادی را تشکیل میدهد ،
بسیار ارزش زیادی داده ، رعایت صدق و امانت داری و اجتناب
از غش و خیانت را در آن امر حتمی و ضروری پنداشته است .

زیرا چون اکثر مناسبات بین افراد بر تجارت و معاملات خرید و
فروش استوار است ، کذب و خیانت در آن فرد فرد جامعه را متضرر ساخته
اعتبار میان افراد جامعه را ضعیف گردانیده و عدم توازن اقتصادی بین
افراد یک جامعه را بارمی آورد . باین معنی که عده ای در نتیجه دروغگوئی

و خیانت طور ناحق پولدار ، وعده دیگری نادار و نادار تر میشوند ، گرچه ^{تعا} در معاملات تجارتي چنین اشخاص غلط و دروغگوی در همین دنیا نیز چندان برکتی نباشد ولی در آخرت نیز موجب عذاب دردناک الهی میگردند ، زیرا عمل اشخاص مذکور در جامعه بشری و اقتصاد جهانی بی ثباتی شدید را رونمایاند که در عاقبت امر بنفع ، بچکس تمام نمیشود . لذا ، تجارت گرچه در ظاهر امر عملی است مباح ، ولی هرگاه در آن از صداقت و امانت داری کار گرفته شود ، عبادت مبدل میگردد . و از همین سبب است که چنین اشخاص در روز قیامت دارای مقام ارجمند بوده ، قرین انبیاء ، صدقین و شهداء جا خواهند داشت .

مراد از صدقین در حدیث شریف فوق الذکر مؤمنانی اند که در قول و عمل شان فرق نیامده ، عمرشان را به راستگویی و صداقت سپری کرده باشند در صورتیکه در کارهای تجارتي صداقت نبوده و بالعکس خیانت و

و نیز بادستان و خویشاوندان رویه نیک داشته قطع صد
رحم نه نمائیم . زیرا همه ما اولاد یک مادر و پدر و برادران یکدیگر هستیم .
فوائد حدیث :

- ۱ - انسان باید تنها عبادت ذات اقدس الهی را نماید .
- ۲ - در هیچ چیز (از قول و عمل) با خداوند تبارک و تعالی
شریک نباید آورد .
- ۳ - عقاید باطله و بی اساس را ترک باید کرد .
- ۴ - پابندی به نماز و راستگویی و راستکاری و هم پاکدامنی را
اختیار کرده با برادران و دوستان رویه نیک باید داشت .

در ونگونی روی کار شود . جامه بطرف هلاکت و پسمانی سوق خواهد شد . چنانچه
از عبد الله بن عباس رضی الله عنهما روایت است که جناب رسول الله صلی الله
علیه وسلم تا حران پیمان و ترازو را فرمودند :

”هر آینه شما مسئولیت دو امر مهم را بعهده دارید که به سبب آن ملت های سابقه
هلاک شدند . یعنی اگر در ترازو و پیمان و گز ، طرق غلطی را اختیار کردید
یعنی عدالت را رعایت نکرده وقت گرفتن زیاد بگیرید و در وقت باز پس دادن
کم بدهید ، این کارتان سبب تباهی شما در دنیا و آخرت خواهد شد . (۱)

(۱) عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ عَبَّاسٍ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ : قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ
عَلَيْهِ وَسَلَّمَ لِأَصْحَابِ الْكَفِيلِ وَالْمِيزَانِ : إِنَّكُمْ قَدْ وَلَّيْتُمْ أَمْرَيْنِ هَلَكَتْ
فِيهِمَا الْأُمَمُ السَّابِقَةُ قَبْلَكُمْ . (رواه الترمذی)

فوائد حدیث :

- ۱ - بدست آوردن نفقه حلال موجب رضای خداوند حج، است .
- ۲ - تاجر صادق و راستگوی در روز قیامت با انبیاء (ع)، صدیقین و شهیدان خواهد بود .
- ۳ - تاجر که در کار تجارتی خود از شریعت خلاف ورزی میکند، این عمل وی موجب هلاکت او در دنیا و آخرت میگردد .

تمرین

- ۱ - تاجر صادق روز قیامت با کدام اشخاص خواهد بود ؟
- ۲ - مطلب از صداقت در تجارت چیست ؟
- ۳ - تاجر کیه در معاملات خود خیانت و دروغگوئی را عادت خود میسازد و اموال تقلبی را عوض اجناس اصلی عرضه می کند در نتیجه چه خواهد شد ؟

احکام

عَنْ مُعَاذٍ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ : سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يَقُولُ :

يُسْرِ الْعَبْدُ الْمُحْتَكِرُ ، إِنْ أَرْخَصَ اللَّهُ الْأَسْعَارَ حَزِينَ ،
وَإِنْ أَغْلَاهَا فَرِحَ . (رواه البيهقي في شعب الأيمان ،

معنى بعضی کلمات :

- ۱ - محتكر: غله فرشيکه به نيت گران شدن ، غله را نگه دارد .
- ۲ - أَرْخَصَ : اگر ارزان کند .
- ۳ - اسعار : نرخ ها .
- ۴ - حَزِينَ : غمگين شود .
- ۵ - فَرِحَ : خوش گردد .

معنی حدیث :

از معاذ رضی الله عنه روایت است که گفت : شنیدم از رسول الله صلی الله علیه وسلم که میفرمودند : بد است آن بنده الله (ج) که محتکرات . اگر ارزان کند خدا (ج) ، زخبا را غمگین گردد و اگر قیمت گرداند آنرا خوارند گردد .
توضیح معنی حدیث :

از حدیث فوق الذکر معلوم میشود که احتکار در دین اسلام مذموم و بد است .

- قاعده کلی اینست که انسان در تصرف بر اموال خود و نیز عرضه و فروش آن آزاد میباشد . ولی این آزادی بدو شرط ذیل مقید گردیده است :
- ۱ - اینکه استفاده از مال و تصرف در آن بوجه و طریق مشروع بوده باشد .
 - ۲ - با تصرف در مال خود موجب اذیت و ضرر دیگران نگردد . . .
- رعایت این اصل مهم ، یعنی جلوگیری از احتکار که پهلوی حساس و بر جسته

سیستم اقتصادی را تشکیل میدهد در هیچ سیستم اقتصادی جهان غیر اسلامی صورت نگرفته است . زیرا سیستم های کمونستی همه ثروت را مال دولت دانسته ، افراد جامعه را از هرگونه تصرف و معاملات فردی محروم گردانیده است ، در حالیکه جوامع سرمایه داری فرد را مطلقاً انان میدانند ، که اولی راه تفریط و دومی را افراط را پیچوده اند .

در مورد مذمت و بدی احتکار از حضرت عمر بن الخطاب رضی الله عنه روایت است که گفت :

از رسول الله صلی الله علیه و سلم شنیدم که میگفت :
 کسیکه مواد خوراک و ضروریات مردم را احتکار داند از او شان باز دارد
 خداوند (ج) او را بمرض جذام (که مرض بدست) و بافلاس و در شکستی گرفتاری کند (۱) .

(۱) عَنْ عُمَرَ بْنِ الْخَطَّابِ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ : سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يَقُولُ : مَنْ احْتَكَرَ عَلَى الْمُسْلِمِينَ طَعَامَهُمْ ضَرَبَهُ اللَّهُ بِالْجَذَامِ وَالْأَفْلَاسِ .
 (رد المحتار ابن ماجه و البيهقي في شعب الایمان)

علاوۀاً فلسفۀ در حرمت و مذمت احتکار اینست که عدۀ از افراد جامعه (محتکرین) در نتیجۀ احتکار بناحق پولدار گردیده ، و همین عمل باعث میشود که عدۀ دیگری متضرر و غریب تر گردند ، که این امر بالآخره بعدم توازن اقتصادی و سوء عدالت اجتماعی منجر گردیده افراد یک جامعه را در مقابل یکدیگر بدین و دشمن میازند .

فوائد حدیث :

- ۱ - شخص محتکر بد ، و عمل احتکار وی مذموم و زشت است .
- ۲ - محتکر خود خواه است ، یعنی بمفاد خود نظر داشته ولی بضرر دیگر از نتیجۀ احتکار وی متوجه دیگران میگردد و قناعت نمیکند .
- ۳ - مبتلا شدن محتکر بامراض و یا مواجه شدن وی با فلاس که در حدیث مبارک فوق الذکر آمده در حقیقت امر دعای بد بطریق زجر و توبیخ است از جانب پیامبر اسلام در حق محتکرین .

تمرین

- ۱ - محکم را جناب رسول الله صلی الله علیه وسلم از چه نگاه بدگفته اند ؟
- ۲ - لغات ذیل را معنی کنید :
 - ۱ - مُحْتَمِرٌ :
 - ۲ - اِنْ اَرْخَضَ :
 - ۳ - اَسْعَارَ :
 - ۴ - حَزَنَ :
 - ۵ - فَرِحَ :

ریاء و خودنمایی

عَنْ أَبِي سَعِيدٍ بْنِ أَبِي فَضَالَةَ عَنْ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ :

إِذَا جَمَعَ اللَّهُ النَّاسَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ ، لِيَوْمٍ لَا رَيْبَ فِيهِ ،
نَادَى مُنَادٍ : مَنْ كَانَ أَشْرَكَ فِي عَمَلٍ عَمِلَهُ لِلَّهِ أَحَدًا
فَلْيَطْلُبْ ثَوَابَهُ مِنْ عِنْدِ غَيْرِ اللَّهِ ، فَإِنَّ اللَّهَ أَغْنَى الشُّرَكَاءِ
عَنِ الشِّرْكِ .

(رواد احمد)

معنی حدیث :

ابوسعید بن ابی فضالہ رضی اللہ عنہ از رسول اللہ صلی اللہ علیہ وسلم
روایت میکند کہ فرمودند : وقتی کہ خداوند تعالیٰ مردم را روز قیامت ،
روزیکہ در آمدن آن ، هیچ شکلی نیست ، جمع میکند ، (فرشته) آواز دهنده

چنین آواز میدهد : کسیکه در عمل انجام داده با خدا (ج) کسی را شریک قرار داده باشد ، پس ثواب آن عمل را نیز از غیر خدا (ج) یعنی از آنکه او را شریک گردانیده بود بطلبید ، زیرا خدای تعالی بی نیازترین شریکان است از شرک .

توضیح معنی حدیث :

از حدیث مبارک فوق الذکر معلوم میشود ، کسیکه کار نیکی مانند اداء نمودن نماز ، گرفتن روزه یا دادن خیرات و زکات ، ادای حج ، جهاد و غیره امور خیریه را انجام میدهد باید همه آنها از روی اخلاص ، با صداقت تمام و محض برای رضای خداوند (ج) بوده باشد ، نه برای خود نمائی و نشان دادن به مردم .

زیرا خداوند تبارک و تعالی منعم حقیقی و کامل است . بناءً عبادات و تسبیح برای خداوند (ج) کرده میشود کس دیگری را در آن شریک قرار دادن کار

تمرین

- ۱ - ہر قل کی بود و از کدام شخص سوال نمود ؟
- ۲ - ہر قل راجع بکدام شخص سوال نموده و در چه مورد معلومات ہمہ جانبہ میخواست ؟
- ۳ - جواب دہندہ سوال ہر قل را چطور جواب داد ؟
- ۴ - تفصیل مطالب مندرجہ حدیث فوق الذکر بعد از ایمان بوحدا نیت خداوند تعالیٰ چه تائیدی را در امور اجتماعی دربردارد ؟

مسلمان کامل نیست .

در صین العلم آمده که (ریاء) عبارت از طلب کردن مقام و منزلت از مردم است در مقابل عباداتی که شخص انجام میدهد ، و این چند قسم است که قبیح ترین آنها ریائیست که در آن قطعاً اراده حصول ثواب و قصد عبادت بخداوند (ج) نباشد ، بلکه محض غرض خودنمایی بمردم و طلب مقام و منزلت نزد ایشان باشد ، چنین عمل باطل بوده و صاحبش مستحق عذاب الهی در دنیا و آخرت میباشد .

چنانچه سعدی شیرازی^{رح} میگوید :

چون نباشد پاک اعمال از ریاء

هست بیهاصل چه نقش بوریا

بناد آنانیکه در عروسی و یا مرده داری و سائر مناسبات شروع مصارف بجا نموده خود نمائی میکنند ، نه تنها اینکه ثوابی از نتیجه کارشان بدست نمی آورند ، بلکه

مستحق عذاب خداوندی نیز میکردند . زیرا چنین اشخاص میتوانند از مصارف اضافی درین راه ، که جنبه ریائی محض دارد کاسته و یک اندازه پول خود را در بناد مدارس ، مساجد ، طرق خیریه مصرف و یا بجا بدین راه خدا دج ، فقر و مساکین و سائر مستحقین بدهند ، که با صرف آن درین راه ما هم باعث سرافرازی شان در دنیا نزد افراد جامعه میبویا میکردند و هم در صورتیکه این عمل را محض بغرض کسب رضای خدا دج ، کرده باشند نزد خداوند بی نیاز اجر و ثواب عظیمی را کما فی خوانند کرد .

فوائد حدیث :

- ۱ - خداوند دج ، بی نیاز ، واحد و لاشریک است .
- ۲ - روز رستاخیز که در آمدن آن شکی نیست تمام مردم جمع میشوند .
- ۳ - ریاء اجر و ثواب هر عمل نیکو را باطل ساخته و

شخص ریا، کار را مستحق عذاب الهی میگرداند .

تمرین

- ۱ - ریا را توضیح نموده و بگوئید که کدام عمل انسان ریا، گفته میشود؟
- ۲ - عواقب ریا و اضرار آن را بیان نمائید .

اضرار ظلم

عَنْ جَابِرٍ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ :

إِتَّقُوا الظُّلْمَ فَإِنَّ الظُّلْمَ ظُلُمَاتٌ يَوْمَ الْقِيَامَةِ . وَاتَّقُوا الشَّحَّ فَإِنَّ الشَّحَّ أَهْلَكَ مَنْ كَانَ قَبْلَكُمْ ، حَمَلَهُمْ عَلَى أَنْ سَفَكُوا دِمَاءَهُمْ وَاسْتَحَلُّوا مَحَارِمَهُمْ .

معنی بعضی کلمات :

(رواه مسلم)

- ۱ - الظُّلْمَ : تجاوز بدون حق .
- ۲ - الشَّحَّ : بخل و تنگ نظری .
- ۳ - حَمَلَهُمْ : وادار ساخت آنها را .
- ۴ - اسْتَحَلُّوا : حلال دانستند .

معنی حدیث :

از حضرت جابر رضی الله عنه روایت است که هر آینه حضرت رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمودند : از ظلم و تجاوز غیر حق اجتناب کنید ، زیرا ظلم در روز رستاخیز سبب تاریکی های زیاد میگردد . و اجتناب نمائید از بخل ، زیرا کس آنرا که قبل از شما بودند هلاک کرد ، و وادار ساخت ایشان را تا خون های یکدیگر را بریزند و صال دانستند چیز هایی را که بوا ایشان حرام بود .

شرح معنی حدیث :

چون دین مقدس اسلام دین عدل ، انصاف ، مساوات و برادری است ، بناءً ظلم ، تجاوز و بی عدالتی را بد پنداشته و پیروان خود را از مبادرت بآن منع نموده بسوی عدالت و انصاف سوق میدهد . از اینجاست که حضرت رسول اکرم صلی الله علیه وسلم تأکیداً امر فرموده اند که : از ظلم

و تجاوز غیر حق بر اشخاص اجتناب نمایند ، زیرا که ظلم سبب تاریکی های
روز رستاخیز است ، که البته هدف از آن مواجه شدن بعذاب
الهی است .

همچنان بخل عملیت زشت و قبیح ، زیرا بخل است که تخم کینه
و بدبینی را بین مردم کشت نموده و در نهایت امر موجب خونریزی ، قتل و
قتال ، تباہی و بربادی می گردد . و این همه موضوعاتیمیت که در زمانه های
مختلف بین ملل جهان بوقوع پیوسته و یکپشم سردیده شده است .
ازین سبب حضرت رسول اکرم صلی الله علیه وسلم پیامبر و مادی بشریت ،
براجتناب ازین خصال مذموم و تباہ کن تأکید ورزیده و از عواقب
و نتایج ناگوار آن خبر داده است تا مسلمانان واقعی از آن خودداری
کرده و به آن مباردت نورزند .

فوائد حدیث :

- ۱ - ظلم باعث قتل و قتال ، حرام خوری و در نتیجه موجب عذاب دنیا و آخرت برای ظالم میگردد .
- ۲ - بخل و تنگ نظری عادت زشت و مذموم که باید از آن اجتناب ورزید .

تمرین

- ۱ - اضرار ظلم و بخل را در جامعه بیان نمائید .
- ۲ - از نتیجه ظلم در روز قیامت چگونه تعبیر شده است ؟

خلق نيكو

عَنْ أَنَسٍ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ : قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ :

مَنْ تَرَكَ الْكَذِبَ وَهُوَ بَاطِلٌ ، بُنِيَ لَهُ فِي رَيْضِ الْجَنَّةِ ،
وَمَنْ تَرَكَ الْمِرَاءَ وَهُوَ مُحِقٌّ ، بُنِيَ لَهُ فِي وَسْطِ الْجَنَّةِ
وَمَنْ حَسَنَ خُلُقَهُ بُنِيَ لَهُ فِي أَعْلَاهَا .

(رواه الترمذي وقال هذا حديث حسن)

شكوه ٤١٢

معنى بعض كلمات :

- ١ - بَاطِلٌ : ناحق ونا روا .
- ٢ - رَيْضٍ : حوالی ، اطراف
- ٣ - الْمِرَاءَ : مناظره ، جدال ، نزاع .

معنی حدیث :

از حضرت انس رضی الله عنه روایت شده که گفت : رسول الله

صلی الله علیه وسلم فرمودند :

کسیکه ترک نماید دروغ گفتن را ، در حالیکه دروغگوئی امریست باطل ، بنا کرده میشود برای وی (قصری) در حوالی بهشت ، و کسیکه ترک نماید مناظره را ، در حالیکه حق بجانب باشد ، بنا کرده میشود برای او (قصری) در وسط بهشت ، و کسیکه نیک گردانید اخلاق خود را ، بنا کرده میشود برای وی (قصری) در جای بلند از بهشت .

توضیح معنی حدیث :

در حدیث فوق الذکر عبارت (وَهُوَ بَاطِلٌ) ذکر شده . این قید از

جهت آنست که دروغ گفتن در بعضی مواقع و حالات جائز و در بعضی دیگر حتی واجب است . پس اجر عظیم و ثواب زیاد برای کسانی است

نصیحت و خیر اندیشی

عَنْ أَبِي رُقَيْتَةَ تَمِيمِ بْنِ أَوْسٍ الدَّارِيِّ رَضِيَ اللَّهُ تَعَالَى عَنْهُ أَنَّ النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ :
الدِّينُ النَّصِيحَةُ . قُلْنَا ، لِمَنْ ؟ قَالَ : لِلَّهِ وَلِكِتَابِهِ
وَلِرَسُولِهِ وَلِأَيِّمَّةِ الْمُسْلِمِينَ وَعَامَّتِهِمْ .

(رواه مسلم)

معنی بعضی کلمات :

- ۱ - الدِّينُ : عبارت از اسلام و ایمان است .
- ۲ - النَّصِيحَةُ : خیر خواهی و خوش بینی .

معنی حدیث :

از ابو رقیته تمیم بن اوس دارمی درض ، روایت است که هرگز
حضرت پیغمبر صلی الله علیه و سلم فرمودند :

که دروغ گفتن را در حالاتی ترک نمایند که دروغ گفتن جائز نباشد .
 لذا چون امر محظور و ممنوعی را خاص برای رضای خداوند (ج) ترک ننموده
 است مستحق اجر عظیم در روز آخرت میگردد .
 وَمَنْ تَرَكَ الْإِرَاءَ : کسیکه مناظره را ترک کند مستحق اجر بزرگتر است ،
 زیرا او با این کار خود ، در حالیکه حق بجانب هم است ، از تواضع کار
 گرفته و نیز سعی و رزیده تا جلو آزدگی و تأثر جانب مقابل گرفته باشد ،
 اما این در صورتیست که مناظره در امور دین نباشد ، چه در امور دینی باید
 تا وقتی به مناظره و مباحثه ادامه داد که حقیقت ظاهر و حق بجای خود قرار گیرد .
 ولی آنانیکه بطور کُل خود را با خلاق نیک و پسندیده آراسته
 میسازند نسبت به شخص دیگر اجر بیشتر و بزرگتر دارند . زیرا متحمل شدن
 با خلاق حسن از یکطرف به رحمت ، تواضع و فداکاری فرادان ضرورت
 دارد ، و از طرف دیگر نفع آن عام بوده ، بهر کس خیر و مفاد آن میرسد ،

و از اینجا است که حضرت باری تعالی پیغمبر خود حضرت محمد (ص)، را به خلق حسن

ستوده میفرماید :

وَإِنَّكَ لَعَلَىٰ خُلُقٍ عَظِيمٍ ۝

ترجمه :- و هر آینه هست ترا نزد بی نهایت - و هر آینه تو بر خوئی بزرگی

علاوۀاً متصف شدن بخلق حسن وقتی تحقق می یابد که انسان کردار

نیک ، رفتار نیک و گفتار نیک را شعار خود سازد که البته رسیدن به چنین

مرحلۀ والای عبودیت مستوجب اجر بس عظیم می باشد ، زیرا اخلاق نیکوی

شخص مؤمن تہداب و اساس همه نیکی ها و خوبیهای دیگر است . چنانچہ

شاعری میگوید :

إِنَّمَا الْأُمُّ الْأَخْلَاقُ إِنَّ ؟

هم ذہبت اخلاقہم ذہبوا

ازین سبب اشخاص ملحد و بی دین اولتر از همه میکوشند تا اخلاق شخص مسلمان را

سلب نمایند .

زیرا وقتی این جوهر تابنده ، یعنی اخلاق پسندیده از نهاد انسان
سلب گردید ، دیگر تسخیر و استعمال او برای هرگونه اهداف ناجائز و غیر
مشروع کاری است ساده و آسان .

فوائد حدیث :

- ۱ - ترك دروغ و مناظره بی نتیجه در آخرت ثواب زیاد دارد .
- ۲ - متخلق شدن با اخلاق حسن ، صفت بزرگیت برای هر فرد
مسلمان ، و اجر و ثواب آن نزد خداوند (ج) ، بس عظیم
و بزرگ است .

تسرين

- ۱ - دروغ گفتن و مناظره بی نتیجه چه حکم دارد ؟
- ۲ - آیا دروغ گفتن در هر حالت مذموم و بد است ؟
- ۳ - کلمات ذیل را معنی کنید :

۱ - الْكَذِبُ :

۲ - رِبْضٍ :

۳ - الْمِرَاءُ :

اخلاق سیئه

عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ : قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ :

ثَلَاثَةٌ لَا يَكَلِّمُهُمُ اللَّهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَلَا يَزَكِّيهِمْ وَلَا يَنْظُرُ إِلَيْهِمْ وَلَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ ، شَيْخٌ زَانٍ وَمَلِكٌ كَذَّابٌ ، وَعَائِلٌ مَسْتَكْبِرٌ . « رواه مسلم »

معنی حدیث :

از ابو هریره رضی الله عنه روایت است که گفت : رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمودند : سه کسانی اند که خداوند (ج)، با ایشان در روز قیامت سخن نمیزند ، و ایشانرا تزکیه (از گناه پاک) نمیکند و نه با ایشان نظر میکند ، و هست برایشان عذاب دردناک :

- ۱ - شخص پیر زنا کار .
- ۲ - پادشاه بسیار دروغگوی .
- ۳ - فقیر خود خواه و تکبر .

توضیح معنی حدیث :

در حدیث مبارک فوق الذکر عده ای از صفات ناپسندیده افراد بشر که موجب غضب الهی و سرزنش بس بزرگی در روز قیامت میگرد بیان گردیده است . گرچه هدف این نیست که صرف همین اعمال بدترین اعمال است ، چه همواره احادیث و ارشادات آن حضرت صلی الله علیه وسلم مطابق باحوال اشخاص و شرائط زمان و با در نظر داشت زندگی اجتماعی مردم اوصاف نیک و یا بد را بیان داشته و از همین سبب است که در مورد بیان اعمال ناجائز در احادیث مختلف آنحضرت (ص)، ارشادات مختلف بعمل آمده است که از آنجمله

اعمالیکه درین حدیث بیان گردیده باشد ، زیرا :

- ۱ - عمل زنا ، توسط شخص موی سفید و پیریکه با وصف رسیدن بسن کهولت و پیری ارتکاب گردد ، واقعاً یک عمل بسیار زشت و ناپسند است .
مگر چه عمل زنا ، در هر وقت و زمان و برای هر شخص حرام قطعی و گناه کبیره میباشد ، ولی ارتکاب چنین عملی توسط اشخاص مسن و کلانسال که مرحله شباب و زمان غلبه احساسات شهوانی را نیز پشت سر گذاشته اند ، بسیار شنیع و بد است . زیرا وقتی طبقه جوان و آنانیکه باوی سروکار دارند چنین عملی را از وی مشاهده نمایند طبعاً آنها نیز بارتکاب این عمل تشویق گردیده و از او پیروی مینمایند و در حقیقت عمل وی نه تنها سبب سقوط شخصیت خودش در دنیا و آخرت میشود ، بلکه علاوه بر آن باعث فساد جامعه و ماحول او نیز میگردد .
- ۲ - همچنان دروغ ، گرچه در ذات خود گناه کبیره و امریست خلاف

مناحت انسانی و کرامت بشری ، ولی ارتکاب این عمل شنیع توسط کسیکه رهبری یک جامعه را بعهده داشته و یا کشوری را اداره می کند و مردم آن دیار از گفتار و کردار او تقلید نمایند ، بدتر از دروغی است که توسط اشخاص عادی گفته میشود .

زیرا دروغ پادشاه و رهبر علاوه بر اینکه دیگران را بدروغ گوئی تشویق و وادار میسازد ، موجبات بی اعتمادی بین افراد آن جامعه را نیز فراهم میاید که در نتیجه امور کشوری و لشکری و در نهایت امر شریازه و حدت ملی در آن جامعه از هم پاشیده شده و اداره مملکت به سقوط مطلق مواجه میگردد .

۳- کبر و غرور شخص نادار و غریب :

تکبر و غرور نیز مانند سایر اعمال نامشروع دیگر در هر عصر و زمان و توسط هر شخصی ناپسند و ناجائز است ، زیرا اکبریا ، خاصه ذات یکتا بوده و برای

بنده ، ولو در هر مقام و منزلتی قرار داشته باشد ، نمی زیبد که بآن مبتلا
نموده و کبر و غرور را در اعمال خود راه دهد ، ولی ارتکاب این عمل
زشت از شخص ناداریکه از لحاظ موقف و منزلت دینوی نیز محتاج دیگران
بوده و در کمترین درجه توان مالی قرار داشته باشد ، بدتر از دیگران
است . زیرا عامل اصلی کبر و غرور که عبارت از استغناء است
در اشخاص صاحب جاه و جلال از نگاه ظاهری وجود دارد ، در حالیکه
این علت در وجود شخص نادار و فقیر که از نگاه ظاهری نیز محتاج دیگران
است منتفی می باشد .

پس کبر و غرور شخص نادار و بیچاره جز نفرت و انزجار دیگران نسبت
بوی و جز سیاه روزی بیشتر از پیش برای وی چیزی بیار نمی آورد . و از همین
جاست که مادی عالم بشریت آنرا در جمله بدترین اعمال انسانی
بحساب آورده است .

فوائد حدیث :

- ۱ - بر هر مسلمان لازم است تا از دروغ ، زنا کاری و کبر اجتناب نماید .
- ۲ - خداوند (ج) ، با شخص زانی سالخورده ، پادشاه دروغگوی و نادار متکبر ، در روز قیامت سخن نمیزند .
- ۳ - خداوند (ج) ، در روز قیامت ، پادشاه و رهبر دروغگوی ، پیر زنا کار و گدای متکبر را بعذاب دردناک گرفتار خواهد کرد .

دین عبارت از نصیحت و خیرخواهی است .

گفتیم : به کی ؟

آنحضرت صلی الله علیه وسلم فرمودند : برای خدا حج ، و برای کتاب و رسول او تعالی ، و برای اولیای امور مسلمین و کافه امت مسلمه .

این حدیث را مسلم روایت کرده .

(ریاض الصالحین ۵۵)

توضیح معنی حدیث :

۱ - مطلب از نصیحت به خدا حج ، اینست که باو تعالی ایمان آورده یعنی بوجود و وحدانیت خدا حج ، که واحد و لاشریک است ، و هیچکس با او شریک نبوده ، متصف بصفات کمال و جلال ، و منزّه از تمام نواقص و عیوب است . و نیز از او امر و نواهی وی اطاعت کامل نمودن ، شکر کردن به نعمت های خداوند تعالی ، اخلاص در تمام امور

تمرین

- ۱ - خداوند متعال در روز قیامت با پادشاه دروغگوی ، کهن سال
زنا ، کار و گدای متکبر چه معامله خواهد کرد ؟
- ۲ - فوائدیکه از حدیث مبارک فوق الذکر بدست می آید برشمارید .
- ۳ - درحالیکه دروغگوئی ، زنا ، کاری و تکبر برای هر شخص گناه بزرگ
و عمل شنیع و قبیح است ، تخصیص بدی این اعمال به شخص پادشاه و رهبر ،
پیر کهن سال و انسان نادار و فقیر از چه لحاظ است توضیح دهید ؟

بدگمانی و بهتان

عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ :

إِيَّاكُمْ وَالظَّنَّ فَإِنَّ الظَّنَّ أَكْذَبُ الْحَدِيثِ وَلَا تَحَسَّسُوا وَلَا تَجَسَّسُوا وَلَا تَنَاجَشُوا وَلَا تَنَاحَسُوا وَلَا تَبَاغَضُوا وَلَا تَدَابَرُوا ، وَكُونُوا عِبَادَ اللَّهِ إِخْوَانًا . (رواه البخاری و مسلم)

معنی حدیث :

از ابو هریره رضی الله عنه روایت است که رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمودند : اجتناب ورزید از بدگمانی ، زیرا بدگمانی دروغ ترین سخنهاست . و نباشید در جستجوی عیب کسی ، و جاسوسی نکنید ، و مبادید در همپیشی با کسی (هنگام خرید و فروش نرخی را بالا نبرید) و نه با هم دیگر حسد

و بخی کنی و نه از یکدیگر روگردان باشی ، و باشی بندگان خداوند (ج)
برادران یکدیگر .

توضیح معنی حدیث :

رسول الله صلی الله علیه وسلم در حدیث مبارک فوق الذکر
از سلسله اعمالی نهی فرموده اند که اجتناب از آنها در حیات روز مره
و زندگی اجتماعی ما اهمیت خاصی دارد . زیرا ارتکاب این اعمال
بدبختی ، جنگ و جدل و تفرقه را میان افراد بشر بار آورده ، در حالیکه
اجتناب از آن ها ریشه های اخوت و برادری ، محبت و صمیمیت را در بین
افراد یک جامعه تحکیم نموده و برای رشد و نمو اقتصادی ، فرهنگی و اجتماعی
آن ممد واقع میگردد .

این اعمال عبارت اند از :

۱ - تحسس : یعنی گوش دادن به سخنان مردم ، و سپس آنرا طرد ^{مطرب} نمودن

و بمقتور تأمین اهداف نامشروع بین مردم شایع کردن است ، که اولاً
کوشش گرفتن به سخنان مردم و استراق سمع ، و ثانیاً پخش و نشر آن بین
مردم ، هر دو ، کاریت نامشروع و غیر مجاز و مخالف روابط ذات البینی
افراد جامعه .

۲ - تجسس : آنست که شخصی را تعقیب نماید تا در او عیبی
پیدا کند و بعداً آنرا در بین مردم پخش نماید .

۳ - تناجش : ارتباط بخرید و فروش دارد که معنی مناسب آن
دلالتی شده میتواند ، و آن اینکه بین دلالان و تاجر فیصد قبلی صورت
گرفته باشد که دلال باید چنین وانمود کند که مال را به قیمت زیادی میخرد ،
در حالیکه اراده خرید مال را نداشته و صرف مقصدش گرم کردن بازار
خرید و بازی دادن خریداران بوده و بنحوا به جنس را از قیمت اصلی اش
بلند تر بفروشد .

۴ - تدابر : اینست که غیبت یکدیگر را بنمایند ، و بمعنی قطع صلہ رحم نیز آمده است . این کار نیز موجب دشمنی و عداوت میگردد .

۵ - تحاسد : یعنی حسد بردن بهمال و منال دیگران و نیز تبغض یعنی کینه ورزیدن و بغض داشتن نسبت بدیگران هم از جمله همین اعمال قبیحہ دانسته شده و نتیجہ آنها جز ایجاد دشمنی و کدورت میان افراد بشر چیز دیگری نمیشاید . بناؤ حضرت رسول اکرم (ص) این همه اعمالی را که بین افراد جامعه تفرقه و نفاق افکنده و آنها را از هم دور می سازد نکویش کرده و در عوض آن همه افراد جامعه اسلامی را به اخوت و برادری دعوت و از بدگمانی و بدبینی نسبت بیکدیگر منع کرده است .
اینست شیوہ یک رهبر واقعی و حقیقی که متوجه همه زوایای زندگی پیروان خود بوده و آن ها را برای سوق و رہنمائی میکند که سعادت و خوشبختی در هر حال نصیب شان باشد .

فوائد حدیث :

- ۱ - دین اسلام بدگمانی را دروغ ترین سخنان شمرده است .
- ۲ - گوش گرفتن سخنان مردم و بعد پخش کردن آن ، و نیز جستجوی عیب دیگران بمقتول اشاعه آن بین مردم خداف مقررات انسانی و اسلامی بوده مرتکب آن گنهگار است .
- ۳ - حسد و کینه ورزی نسبت بیکدیگر رشته های اخوت و برادری را میان افراد جامعه از بین برده باعث بدبختی آنها میگردد .
- ۴ - حیل کاری در مسائل خرید و فروش کاریست ناپسند و دور از اخلاق انسانی و اسلامی .
- ۵ - تدابری خورده گیری بر یکدیگر در مسائل جزئی و قطع صلّه رحم و قطع روابط دوستی و برادری در اثر رنجشهای بیجا نیز از جمله اعمالیست نامطلوب که بایست انسانهای صاحب عقل و دانش و پیروان دین مقدس اسلام از آن پرهیزند .

تمرین

- ۱ - بدگمانی نسبت بیکدیگر و سخنان مردم طور پنهانی گوش گرفتن چه ضرر دارد ؟
- ۲ - در دین مقدس اسلام عیب جوئی و عیب گوئی چرا نکو نپسندیده است ؟
- ۳ - حسد بردن بر مال و مقام دیگران چه نتیجه دارد ؟
- ۴ - بغض و کینه ورزی نسبت بیکدیگر چرا بد است ؟
- ۵ - در کار تجارت و خرید و فروش ، چال بازی و حسدگری چه عواقب ناگوار دارد ؟
- ۶ - جوامع بشری و افراد جامعه اسلامی باید چگونه به زندگی خویش ادامه دهند ؟ و چه معیار یا رادار روابط ذات البینی رعایت نمایند تا در زندگی شان اخوت و برادری ، خوشبختی و سعادت جا داشته باشد ؟

حسن صدا و قبح خیانت در معاملات

عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ ، قَالَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ : إِنْ اللَّهَ عَزَّوَجَلَّ يَقُولُ :
 أَنَا ثَالِثُ الشَّرِיקَيْنِ مَالَهُمَا يَخُنُّ أَحَدُهُمَا صَاحِبَهُ ،
 فَإِذَا خَانَهُ خَرَجْتُ مِنْ بَيْنِهِمَا (وفی روایتی) وَجَاءَ
 الشَّيْطَانُ .
 (رواه ابوداؤد)

معنی بعضی کلمات :

- ۱ - ثَالِثٌ : سوم .
- ۲ - خَرَجْتُ : خارج شدم .
- ۳ - مِنْ بَيْنِهِمَا : از میان هر دوی شان .

معنی حدیث :

از ابو هریره رضی الله عنه روایت است که رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمودند : به تحقیق خداوند (ج) میفرماید :
 من سوم نفرین دوشریک هستم تا وقتی که یکی برد دیگری خیانت نکرده باشد ،
 و وقتی که (یک شریک) دوشریک دیگر خود خیانت کند ، از بین هر دو
 شان خارج می شود . و در روایتی آمده است که (میگوید الله ج) ،
 بعد از بین آنها شیطان می آید .

توضیح معنی حدیث :

خداوند (ج) میفرماید : هر دیکه در کار و بار و معاملات با هم
 شریک باشند ، تا وقتی که در شراکت خود خیانت و چال بازی علیه یکدیگر
 نکنند من با ایشان یکی بوده یعنی ایشان را محک و در انجام کار شراکت شان
 یاری میدهم و هم در معاملات شان برکت می اندازم . اما وقتی که شریکی

با شریک دیگر خود خیانت کند ، معاونت و رحمت من از ایشان دور گردیده
آنها را بحال خودشان رها میکنم ، و این وقتی است که دسائیس شیطانی
بین ایشان راه یافته تا آنکه از یکطرف خیر و برکت از کار شراکتشان
رخت بسته و از جانب دیگر یکی با دیگری سرخصومت ، دشمنی و مخالفت
گرفته ، زندگی ناآرام ، جنبالی و پرشتقت را نصیب میشوند .

لذا انسان باید همواره خصلت امانت داری و صداقت را چه
در معاملات روزمره و چه در معاملات شراکت دوامدار شعار خود ساخته
از خیانت و غلطکاری دوری گیرند .

آری ! ما در حیات روزمره خود مشایده میکنیم که اشخاص
صادق و راستگوی در معاملات تجاری ، دکانداری ، زمینداری
و باغداری و دیگر کار و بار زندگی ، بر علاوه اینکه مفاد زیادی را بدست
می آورند ، از محبوبیت بیشتر بین مردم و افراد جامعه خود نیز برخوردار
میشوند .

عبادات و دعا، و استغفار است که در حقیقت نفع همه این اوصاف
در نصیحت و خیر اندیشی بخود بنده راجع است، زیرا خداوند (ج)، از نصیحت
ناصحین مستغنی و بی نیاز است.

۲ - نصیحت به کتاب خداوند (ج)، ایمان آوردن به قرآن کریم
که کلام خداوندی است میسر باشد. و اینکه از جانب الله (ج)، نازل شده
و سخن مردم با آن مانند شده نمیتواند. و هم هیچ یک از مخلوق قادر
به آوردن و جور کردن مثل آن نمیباشد. و بنده مکلف است
که احکام و محتویات آنرا حرفاً حرفاً و کاملاً تصدیق نموده و به احکام
آن عمل و در علوم و عجائب آن فکر کرده از عام، خاص، ناسخ
و منسوخ آن خود را آگاه سازد.

۳ - مطلب از نصیحت به رسول خدا (ج)، ایمان آوردن بر رسول خدا^(ص)
و قبول کردن رهنمایی های او، یعنی تصدیق بر سالت او و ایمان به تمام چیزهایست

و این براتب بہتر از آنست کہ شخصی دارائی زیادی را از راہ غلط کاری و دروغگوئی بدست می آورد ، ولی در مقابل بانصرت ولی اعتمادی مردم رو برو گردیدہ ہم از مال زیاد خیر و برکت حاصل کردہ نمیتواند و ہم در جامہ مسفور ہمہ بودہ و ہیچکس او را دوست واقعی خود نمیداند .

فوائد حدیث :

- ۱ - برای پیچ مسلمانان خیانت کردن در شراکت جائز نیست .
- ۲ - خداوند (ج) مددگار دوشریک است ، تا وقتی کہ آنها با ہم صادق و راست بودہ و ہر یکدگر خیانت نکنند .
- ۳ - خداوند (ج) رحمت و برکت خود را وقتی از دوشریک میگیرد کہ آنها با یکدگر خیانت نمایند .

تمرین

- ۱ - تا وقتی که دو نفر شریک با هم راست کار بوده و از خیانت و دروغ دوری جویند ، خداوند (ج) با ایشان چه نوع احسان می کند ؟
- ۲ - هرگاه دو شریک در کار شراکت خیانت نموده حق یکدیگر را بخورند خداوند (ج) با ایشان چه گونه معامله خواهد کرد ؟
- ۳ - تا بحکیمه از مفهوم حدیث فوق الذکر بدست می آید آنرا با نظر گرفتن چشم دید خویش از امثال همچو شراکت با در بین مردم همچو او هم ممکن خود مقایسه کنید .

شفقت و رحم بر یکدیگر

عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ : قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ :

الْمُسْلِمُ أَخُو الْمُسْلِمِ ، لَا يَظْلِمُهُ وَلَا يَخْذُلُهُ وَلَا يَحْقِرُهُ .
الَّتَقْوَى هُنَا ، وَيُشِيرُ إِلَى ثَلَاثٍ مَرَاتٍ ، بِحَسَبِ
إِمْرٍ مِنَ الشَّرِّ أَنْ يَحْقِرَ أَخَاهُ الْمُسْلِمَ . كُلُّ الْمُسْلِمِ
عَلَى الْمُسْلِمِ حَرَامٌ ، دَمُهُ وَمَالُهُ وَعِرْضُهُ .

معنی بعضی کلمات :

- ۱ - لَا يَظْلِمُهُ : ستم و ظلم نمیکند او را .
- ۲ - وَلَا يَخْذُلُهُ : با او ترک همکاری و ترک کمک نمیکند .
- ۳ - لَا يَحْقِرُهُ : تو بهین نمیکند او را .

معنی حدیث :

از ابو هریره رضی الله روایت است که رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمودند : مسلمان برادر مسلمان است ، بر او ظلم نمیکند ، بر او از همکاری مضایقه نمیکند ، تو بهیش نمی نماید . پرستیزکاری اینجاست ! « راوی میگوید : آنحضرت صلی الله علیه وسلم در وقت گفتن این کلام سه بار بطرف سینه شان اشاره نمودند . »

برای شخص همین قدر بدی کافی است که برادر مسلمان خود را تو بهین کند . تلف کردن حقوق مسلمان از قبیل خون ، مال و آبروی وی و ضرر رساندن یکی از این ها بر مسلمان دیگر حرام است .

شرح معنی حدیث :

حضرت رسول اکرم صلی الله علیه وسلم درین حدیث مبارک در مورد تهداب و اساس جامعه سالم و همکاری دیگر ارشاد نموده

فرموده اند که : مسلمان برادر مسلمان دیگر است ، یعنی همه مسلمانان در هر جا و هر محلی که زیست نمایند برادر دینی یکدیگر اند و بعد مسافه رشته این برادری را قطع کرده نمیتواند . و چون این اصل اساسی بشکل فرضیه کلی قبول شد ، پس مسلم است که باید هر نوع فساد و تصور هرگونه اذیت و آزار بین مسلمانان جهان منتفی گردد . یعنی یک مسلمان بر مسلمان دیگر ظلم نکند ، در وقت غم و اندوه و هنگام ضرورت او را تنها نگذاشته با وی همکاری لازم نماید . یک مسلمان برادر مسلمان دیگر خود را توهین و تحقیر نمی کند ، زیرا توهین و تحقیر برادر مسلمان بزرگترین گناه تلقی شده ، چنانچه در حدیث مبارک فوق الذکر آن بصورت مؤکد و بهر احتیاج بیان گردیده است . خلاصه اینکه نگهداری عزت و آبروی برادر مسلمان و همچنان حفاظت خون و مال و غیره منافع او و جیب انسان و اسلامی هر فرد مسلمان

دانسته شده و هر یک از مسلمانان بر رعایت حقوق و منافع یکدیگر مکلف ساخته شده است .

فوائد حدیث :

- ۱ - چون مسلمانان با هم برادرانند ، باید بر یکدیگر ظلم و تجاوز را روانداشته و از آن جداً پرهیزند .
- ۲ - همچنان مسلمانان باید با یکدیگر همکاری داشته از عیبجویی و توهین و تحقیر یکدیگر خودداری نمایند .
- ۳ - تلف کردن خون ، مال و آبروی برادر مسلمان با لای مسلمان دیگر حرام است .

تمرین

- ۱ - مسلمانان باید با هم چگونه رویت داشته باشند ؟
- ۲ - در دارالسلام و دین اسلام تلف کردن خون و مال و آبروی برادر مسلمان چه حکم دارد ؟
- ۳ - آیا مسلمانیکه در شرق زندگی میکند ، با مسلمانیکه در غرب و یا دورترین نقطه دنیا بود و باش دارد با هم برادر بوده و بر روی حقوقی دارد و یا چگونه ؟

ضرر رسانی به برادر مسلمان

عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ عُمَرَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمَا قَالَ:
صَعِدَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ الْمِنْبَرَ
فَنَادَى بِصَوْتٍ رَفِيعٍ فَقَالَ :

يَا مَعْشَرَ مَنْ أَسْلَمَ بِلِسَانِهِ وَلَمْ يُفِضْ الْإِيمَانَ
إِلَى قَلْبِهِ ! لَا تُؤْذُوا الْمُسْلِمِينَ وَلَا تُعَيِّرُوهُمْ وَلَا
تَتَّبِعُوا عَوْرَاتِهِمْ فَإِنَّهُ مَنْ يَتَّبِعْ عَوْرَةَ أَخِيهِ الْمُسْلِمِ
يَتَّبِعْ اللَّهُ عَوْرَتَهُ وَمَنْ يَتَّبِعْ اللَّهُ عَوْرَتَهُ يَفْضَحْهُ
وَلَوْ فِي جَوْفِ رَحْلِهِ .

(رواه الترمذی)

معنی بعضی کلمات :

۱ - وَلَمْ يُفِضْ : و نرسید ، و جای نگرفت .

- ۲ - يَا مَعْشَرَ : ای گروه .
- ۳ - لَا تُؤْذُوا : اذیت نکنید ، ضرر نرسانید .
- ۴ - وَلَا تَعْتَدُوا : سرزنش نکنید ، افش نکنید .
- ۵ - عَوْرَاتِهِمْ : عیب های مسلمین را .
- ۶ - وَلَوْ فِي جَوْفِ رَحْلِهِ : اگر چه باشد در وسط مترل خود
و یا درون خانه خود .
- ۷ - يَفْضَحْهُ : رسوایی کند او را .

معنی حدیث :

از حضرت عبد الله بن عمر رضی الله عنهما روایت است که گفت :
 رسول الله صلی الله علیه وسلم بالاشد بر منبر ، پس صدا کرد باوازی بلند
 و گفت : ای گروه کسانیکه اسلام آورده اند بزبان های خود و جای
 نگرفته ایمان در دل های شان ، اذیت ننمایید مسلمانان را و نه ایشان را

طعن زنید ، و مپالید عیب های ایشان را . هر آینه کسیکه تعقیب نماید عیب های برادر مسلمان خود را (تا رسوا سازد او را) خداوند (ج) در جستجوی عیب های خود او می باشد . و چون خداوند (ج) در پی عیب های شخصی باشد (حتماً) او را رسوا میکند و لو که در درون خانه خود نیز پنهان باشد .

توضیح معنی حدیث :

« صدر اسلام منافقین مسلمانان را با افشاگری های عیویکیه قبل از مشرف شدن بدین اسلام داشتند اذیت می کردند . باین ترتیب که در مورد آن در هر جا و با هر کس صحبت می نمودند تا مسلمانان را ازین درک نا آرام سازند . این عمل غیر انسانی منافقین ضربه شدیدی بر وضع روحی مسلمانان وارد می کرد ، روی همین ملحوظ پیامبر اسلام (ص) چنین اشخاص را شدیداً مورد نکویش قرار داده و ایشان را از عواقب

که از جانب خداوند (ج)، آورده، و نیز اطاعت از او امر و نواهی او و زنده نگه داشتن طریقه و سنت نبوی (ص)، و متخلق بودن به اخلاق و آداب او و محبت به اهل بیت و اصحاب کرام (رض)، میباشد.

۴ - مطلب از نصیحت به اولیای امور مسلمانان، پیروی او شانت در امریکه موافق شرع شریف باشد، و همکاری با او شان در کارهای حق و اطاعت از او امر آنها در صورتیکه آن او امر مطابق شرع صادر شده باشند.

۵ - مطلب از نصیحت برای عموم مسلمانان، رہنمائی او شان است بر اینیکه در آن مصالح دینی و اخروی نهفته باشد.

فوائد حدیث :

۱ - ایمان آوردن بوجود و وحدانیت او تعالی که واحد و لا شریک است.

۲ - قرآن کریم را کتاب خداوند (ج)، دانستن و به ارشادات

کارشان که عذاب دردناک خداوندی را سبب میشود آگاه ساختند .
بنادگر چه شأن ورود حدیث مذکور مورد خاص دارد ، ولی
حکم آن عام است ، یعنی باید هر مسلمان و مؤمن کامل از یگانه عادات
زشت و ناپسندیده که خصلت منافقین صدر اسلام بوده و باعث بی حرمتی
و بی عزتی برادر مسلمان وی میگردد جداً پرهیز و تاخدا ی ناخواسته
خود وی در زمره آن منافقین بحساب نرفته و مورد عتاب و غضب
خداوندی و رسوائی دنیا و آخرت قرار نگیرد .

فوائد حدیث :

۱ - شخص مؤمن و مسلمان را بیجا تکلیف دادن از خصلت منافقین
است .

۲ - عیبجوی مسلمانان و هتک حرمت آنان موجب رسوائی در دنیا و
آخرت برای خود شخص نیز میباشد .

تمرین

- ۱ - تکلیف دادن برادر مسلمان و عیجیوئی وی چه حکم دارد ؟
- ۲ - افشاء عیب دیگران و تکیه حرمت برادر مسلمان را جمع به شخص اجراکننده این عمل نشانه چیست ؟
- ۳ - موقف اینگونه اشخاصیکه متصف بصفات مندرجه در حدیث فوق الذکر باشند در جامعه چه خواهد بود ؟

توبه و بازگشت بسوی خدا یگانه

عَنْ الْأَعْرَبِيِّ يَسَارِ الْمُزَنِيِّ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ
قَالَ : قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ :
يَا أَيُّهَا النَّاسُ تَوْبُوا إِلَى اللَّهِ وَاسْتَغْفِرُوهُ فَإِنِّي
أَتُوبُ فِي الْيَوْمِ مِائَةَ مَرَّةٍ . (رواه مسلم،
معنی حدیث :

از اعرابن یسار رضی الله عنه روایت که گفت : رسول الله صلی الله
علیه وسلم فرمودند : ای مردم ! بخداوند رجوع کنید
و طلب مغفرت از آن ذات نمائید ، بدرستی که من هر روز صد بار
توبه میکنم .

توضیح معنی حدیث :

درین حدیث مبارک جناب رسول الله صلی الله علیه و سلم
امت خود را به توبه و استغفار ترغیب مینماید . زیرا با وصف اینکه
پیامبر خداوند (ص)، معصوم از گناه و از بهترین افسراد
بشر بوده اند باز هم روزانه صد بار استغفار و توبه مینمودند ، گرچه
این توبه در واقع از گناه ارتکاب شده نبوده بلکه حجت ادای شکران
نعمت بود که در مقام عبودیت خود را نزد خداوند (ج)، قاصر میداشت ، و هم
بخاطر این بود که او شان محاسبی بواسطه اشتغال به برخی از امور
از ذکر و ادامه عبادت باز می ماندند و از خوف اینکه
بواسطه همین عمل مواخذة نشوند به طلب استغفار و
توبه میپرداختند .

خداوند تبارک و تعالی در مورد توبه میفرماید : (ای مسلمانان)

رجوع کنید بسوی خدا رجوع خالص^(۱) .

و نیز میفرماید : (و رجوع کنید بسوی خدای مؤمنان همه تان تا شما
راستگار شوید)^(۲) .

علماء گفته اند که توبه کردن از گناه واجب است . ولی هرگاه
گناه از جمله حقوق الله بوده و بحقوق بندگان ارتباطی نداشته باشد
برای قبول توبه سه شرط وجود دارد :

- ۱ - اینکه خود را از معصیت و گناه پاک نگه دارد
- ۲ - اینکه از انجام عمل سابقه خود پشیمان گردد .

(۱) خداوند میفرماید : يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا تَوْبُوا إِلَى اللَّهِ تَوْبَةً نَصُوحًا .

(۲) و خداوند میفرماید : وَتَوْبُوا إِلَى اللَّهِ جَمِيعًا أَيُّهَا الْمُؤْمِنُونَ لَعَلَّكُمْ
تُفْلِحُونَ .
(سورة النور ۳۱)

کند
عملی
تصمیم
این

۳ - اینکه تصمیم قاطع گیرد که در آینده مرتکب آن گناه نخواهد گردید و
اگر معصیت و گناه بحقوق انسان یا تعلق داشته باشد، علاوه
بر عمال شروط فوق الذکر چهار شرط دیگر نیز برای قبول توبه وجود
دارد :

۱ - اینکه رضامندی صاحب حق را حاصل نماید . پس اگر مال
کسی را تلف کرده ، یا آنرا طور رشوت و یا به غصب و یا سرقت گرفته
باشد ، لازم است بوی بازگرداند .

۲ - هرگاه به شخصی قذف یعنی دشنام داده و یا در حق وی بهتان
نموده ، یا غیبت ویرانزد مردم کرده باشد و یا بنوعی از انواع بر
حقوق حیثیت وی تعرض کرده باشد ، باید آنرا جبران کرده و از
صاحب حق برائت حاصل نماید ، یعنی از او طلب عفو و بخشش نماید .

۳ - اگر کسی را بناحق لت و کوب کرده باشد

۴ - و یا اینکه خون کسی را ظلماً و بناحق ریخته باشد ، درین دو صورت
اخیر صاحب حق را قدرت حیران دهد و یا از وی عفو و بخشش بخواند و قناعت
او را حاصل نماید .

در صورت ندادن حق و یا نخواستن عفو و بخشش ، در روز
قیامت اعمال قبول شده او از طرف خداوند رجوع ، بصاحب حق داده
میشود . و در صورت نبودن اعمال حسنه و نداشتن ذخیره نیکی ،
گناهان صاحب حق برگناهان خود او بار شده و بجای صاحب حق این
ظالم بسبب گناهان خودش و گناهان صاحب حق معذب میگردد .
فوائد حدیث :

۱ - رسول اکرم ص ، همه مسلمانان را به توبه و استغفار بارگاه
ایزدی امر کرده است .

۲ - اگر مسلمانی هر روز صد بار توبه و استغفار نماید پیروی از

پیامبر اسلام اوصی کرده است .

۳ - خداوند (ج)، توبه مسلمان را که با شرائط توبه کردن موافق باشد قبول خواهد کرد .

تمرین

- ۱ - توبه کردن برای کدام اشخاص لازم است ؟
- ۲ - رسول اکرم (ص)، راجع به توبه و استغفار چه فرموده اند ؟
- ۳ - شرائط توبه کردن را در صورتیکه گناه از تکابیه تجاوز بحقوق عباد نباشد بیان نمایند .
- ۴ - در صورتیکه شخصی با تجاوز بحقوق عباد مرتکب گناه گردیده باشد برای قبول توبه وی چه شرائط مقدماتی وجوب دارد ؟
- ۵ - اندازه توبه و استغفار را از قول رسول اکرم (ص) علیه وسلم بیان نمایند .

امیدوار بودن بلطف و کرم خداوند تعالی

عَنْ أَنَسٍ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ : سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ
صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يَقُولُ : قَالَ اللَّهُ تَعَالَى :
يَا ابْنَ آدَمَ ! إِنَّكَ مَا دَعَوْتَنِي وَرَجَوْتَنِي غَفَرْتُ
لَكَ عَلَى مَا كَانَتْ مِنْكَ وَلَا أُبَالِي .
يَا ابْنَ آدَمَ ! لَوْ بَلَغْتَ دُؤُوبَكَ عَشَانَ السَّمَاءِ
ثُمَّ اسْتَغْفَرْتَنِي غَفَرْتُ لَكَ وَلَا أُبَالِي .
يَا ابْنَ آدَمَ ! إِنَّكَ لَوْ أَتَيْتَنِي بِقَرَابِ الْأَرْضِ
خَطَايَا ثُمَّ لَقَيْتَنِي وَلَا تُشْرِكُ بِي شَيْئًا
لَأَتَيْتَكَ بِقَرَابِهَا مَغْفِرَةً .

(رواه الترمذی ، ۳۵۳۴)

آن عمل کردن .

۳ - ایمان آوردن بر اینکه محمد (ص)، رسول خدا (ج)، است و
به رهنمائی های او عمل کردن .

۴ - نصیحت به اولیای امور مسلمانان و کافه مسلمین از واجبات
دین است .

معنی بعضی کلمات :

- ۱ - رَجَوْتَنِي : امیدواری بمن کنی .
- ۲ - عَنَانَ السَّمَاءِ : بلندی آسمان یا (کنایه از زیاد بودن) .
- ۳ - بَقْرَابِ الْأَرْضِ : قریب پری زمین ، باندازه زمین .
- ۴ - حُطَايَا : گناهان .
- ۵ - لَا أَبَايَ : باکی ندارم .
- ۶ - لَقَيْتَنِي : خود را بمن نزدیک ساختی .

معنی حدیث :

از حضرت انس رضی الله عنه روایت است که گفت : از رسول الله صلی الله علیه وسلم شنیدم که میفرمودند : خداوند تعالی فرموده :
ای فرزند آدم ! هر آئینه تو تا آنوقتی که از من بخواهی و امیدواری
از من نمایی ، می آمرزم ترا بر هر عملی که باشد در تو از گناهان تو و باکی ندارم

ای فرزند آدم ! اگر برسد گناہان تو به بلندی آسمان ، و بعداً از من
 طلب آمرزش نمائی ، می آمرزم ترا و باکی ندارم . ای فرزند آدم !
 بدستی اگر تو با گناہانیکه باندازه پری زمین است نزد من آئی و سپس
 بامن رو برو شوی ، در حالیکه بامن کسی را شرک نسازی ، باندازه
 پری زمین توأم با مغفرت و بخشش با تو مواجه میگردد .

توضیح معنی حدیث :

مطلب اساسی از این حدیث مبارک اینست که انسان عاصی در
 حالیکه از شرک دوری گزیند باید ، بیچوقت از رحمت الهی مأیوس
 نباشد ، زیرا طبق صراحت این حدیث و دیگر نصوص شرعیہ شخص
 مسلمان ، گرچه عاصی هم باشد ، باز هم در نهایت امر داخل جنت
 میگردد . و در صورتیکه لطف الهی شامل حالش باشد امید آن میرود
 که قبل از رسیدن به کیفر اعمالش نیز مورد عفو قرار گرفته داخل جنت گردد .

ولی هیچ صورت کسی بناحق و بدون داشتن گناه مجازات و معذب نمیشود.
 باوصف این همه، بنده نباید باحادیث رحمت و نصوصیکه بر عفو
 الهی مشتمل است مغرور گردیده بی بند و بار و دور از مفهوم بندگی مرتکب
 گناه گردد. زیرا اصل در انسان، اسلام و عدم شرک آوردن بخدا (ج)،
 و اصل در اسلام تقوی و پرهیزکاری، بجا آوردن اعمال نیکو و اجتناب
 از نواهی و اعمال زشت است. و در صورتیکه باوصف عقیده با این اصل
 باز هم تحت تاثیر نفس اماره و تحریک شیطانی رفته مرتکب گناه شود،
 نباید از رحمت و وسیع الهی مأیوس گردد. زیرا مأیوسی بدستخنی بیشتر بار
 آورده انسان عاصی را بسوی عصیان بیشتر سوق میدهد. پس احادیث
 رحمت الهی بر علاوۀ اینکه انسان را بآینده امیدوار و به عفو الهی معتقد
 میازد، او را از ارتکاب گناهان بیشتر نیز منصرف و باز
 میدارد.

فوائد حدیث :

- ۱ - خداوند (ج)، گناہان کسی را که خواسته باشد مورد عفو قرار میدهد
- ۲ - بنده مؤمن گناہکاریکه رو بسوی خدا (ج)، آورده و طالب عفو او تعالی میگردد ، گرچه گناہان وی بیحد زیاد هم باشد ، باز هم خداوند تعالی بملطف خویش او را و عده عفو و بخشش داده است
- ۳ - کسی یا چیزی را شریک با خداوند (ج)، آوردن گناہی است نا بخشودنی ، و مرتکب آن همیشه در دوزخ میباشد .

تمرین

- ۱ - خداوند (ج)، گناہان چه کار نیرا مغفرت میکند ؟
- ۲ - لغات ذیل را معنی کنید :
 - رَجَوْتَنِي :
 - عَنَانَ السَّمَاءِ :
 - بَقَرَابُ الْأَرْضِ :
 - خَطَايَا :
- ۳ - « حدیث مبارک فوق الذکر مراد از (عَنَانَ السَّمَاءِ) و (بَقَرَابُ الْأَرْضِ) چیست ؟

اهداف نصاب تعلیمی اداره مرکز تعلیمی افغانستان!

هدف عمومی: توحید نمودن نصاب تعلیمی تمام تنظیم های جهادی و بوجود آوردن تعلیم و تربیه خاص و جامع اسلامی که ضد هر نوع باطل پرستی و بدعت باشد و همچنین استحکام بخش مفاهیم و قوانین کلی اسلامی در جامعه اسلامی افغانستان باشد.

هدف خصوصی: نصایبست که درس توحید و وحدانیت را به سپاهیان اسلام و پروردان راه حقیقت داده تا تمسک بسن و قوانین عالی و معقول شرع و نور طور ایم و قایم گردند. این نصاب متضمن آسایش و سود اسلامی با در نظر داشت وجایب و شرایط جهادی، فلسفی، اقتصادی، فرهنگی، مدنی و معیشتی بوده که در عین حال مثلث میوند و اتصالات ناگسستی با جهان اسلام و مبین فلسفه مقدس اسلام عزیز می باشد.

هدف نهائی: اعلاسی کلمه الله، نشان دادن عظمت و شان اسلام به جهانیان. افعال کمونیزم در افغانستان و جهان و مبارزه با طاغوطیان زمان بر اساس مبانی و اصول قوانین قرآن عظیم الشان، شریعت غزالی محمدی و فقه حنیف حنفی در راه حصول رضای خداوند (ج) هدف نهائی این نصاب تعلیمی می باشد.

((وَمِنْ آيَاتِ التَّوْفِيقِ))

AR 10

B.

G. 431

DCA

1296

این کتاب رایگان توزیع می گردد و خرید و

فروش این کتاب ممنوع میباشد.

سال طبع حمل ۱۳۷۱ تعداد طبع (۵۰۰۰)

مدیریت نصاب مرکز تعلیمی

مأخذ

- ۱ - بخاری شریف : تصنیف ابو عبد اللہ محمد بن اسمعیل بخاری .
- ۲ - مسلم شریف : مسلم بن حجاج نیشاپوری .
- ۳ - ابوداؤد : سلیمان بن اشعث سجستانی .
- ۴ - ترمذی : ابو عیسیٰ محمد بن عیسیٰ ترمذی .
- ۵ - نسائی : ابو عبد الرحمن احمد بن شعبہ نسائی .
- ۶ - ابن ماجہ : ابو عبد اللہ محمد بن یزید قزوینی .
- ۷ - مشکوٰۃ : ابو محمد حسین مسعود الفراء البغوی .
- ۸ - اشعۃ اللمعات شریف : شیخ عبد الحق محدث دہلوی .
- ۹ - تسہیل البخاری : مولوی عبد الہادی شاہ منصوری .
- ۱۰ - الاربعین النویۃ : امام یحییٰ بن الدین النوی .

تسرين

- ۱ - مفهوم نصيحت به خداوند (ج)، را واضح بيان داريد ؟
- ۲ - نصيحت به كتاب خدا (ج)، چه مفهوم دارد واضح سازيد ؟
- ۳ - بطلب از نصيحت به رسول خدا (ج)، چيست ؟
- ۴ - نصيحت به پيشواي مسلمانان و عموم مسلمين بکدام طريقه انجام مي پذيرد واضح سازيد ؟

فَضَّلْتُ تِلَاوَتَ قُرْآنِ كَرِيمِ
عَنْ أَبِي مُوسَى الْأَشْعَرِيِّ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ : قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ :

مِثْلُ الْمُؤْمِنِ الَّذِي يَقْرَأُ الْقُرْآنَ مِثْلُ الْأُتْرَجَةِ ،
رِيحُهَا طَيِّبٌ وَطَعْمُهَا هَلِيبٌ وَمِثْلُ الْمُؤْمِنِ الَّذِي
لَا يَقْرَأُ الْقُرْآنَ كَمِثْلِ التَّمْرَةِ لَا رِيحَ لَهَا وَطَعْمُهَا حُلُوٌّ
وَمِثْلُ الْمُنَافِقِ الَّذِي يَقْرَأُ الْقُرْآنَ كَمِثْلِ الرِّيحَانَةِ ، رِيحُهَا
طَيِّبٌ وَطَعْمُهَا مُرٌّ ، وَمِثْلُ الْمُنَافِقِ الَّذِي لَا يَقْرَأُ الْقُرْآنَ
كَمِثْلِ الْحَنْظَلَةِ ، لَيْسَ لَهَا رِيحٌ وَطَعْمُهَا مُرٌّ . (رواه البخاري ومسلم)

معنى بعضى كلمات :

- ۱ - أُتْرَجَةٌ : ترنجبین .
- ۲ - طَيِّبٌ : خوش مزه ، پاک .

۳ - طَعْمُهَا : مزه آن .

۴ - حَلْوٌ : شیرین .

۵ - الثَّمَرَةُ : خرما .

۶ - مُرٌّ : تلخ .

۷ - الْحَنْظَلَةُ : حنظل .

معنی حدیث :

از ابو موسی اشعری (رض)، روایت است که گفت : رسول الله صلی الله علیه و آله

علیه وسلم ارشاد فرمودند :

حال مؤمن و مسلمانیکه میخواند قرآن را مانند ترنجبین است که بوی

و مزه آن هر دو خوش آیند است . و حال مؤمن و مسلمانیکه قرآن را -

(از روی بی توجهی و تبلی) نمیخواند ، مانند خرما است که بوی ندارد ولی مزه

آن شیرین است ، و حال منافقی که قرآن را میخواند مانند ریحان است که

بِسْمِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

نِ
أَحْمَدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ ، الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ ، مَا لِكَ يَوْمِ الدِّ
وَالصَّلَاةِ وَالسَّلَامِ عَلَى سَيِّدِ الْأَنْبِيَاءِ وَالْمُرْسَلِينَ وَ
إِمَامِ الْمُتَّقِينَ خَيْرِ خَلْقِ اللَّهِ أَجْمَعِينَ مُحَمَّدٍ الْهَادِيَ
إِلَى سَبِيلِ الْهُدَى وَعَلَى آلِهِ وَصَحْبِهِ وَمَنْ دَعَا
بِدَعْوَتِهِ إِلَى يَوْمِ الدِّينِ

امر به نیکوئی و نهی از بدی
عَنْ أَبِي سَعِيدٍ الْخُدْرِيِّ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ : سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ
صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يَقُولُ : مَنْ رَأَى مِنْكُمْ مُنْكَرًا
فَلْيُغَيِّرْهُ بِيَدِهِ ، فَإِنْ لَمْ يَسْتَطِعْ فَبِلِسَانِهِ ، فَإِنْ لَمْ يَسْتَطِعْ
فَبِقَلْبِهِ وَذَلِكَ أَضْعَفُ الْإِيمَانِ . رواه مسلم (٤٩)

بوی آن خوش و پی مزه آن تلخ است ، و حال منافق که نمیخواند قرآن را
مانند حنظل است که بوی ندارد و مزه آن نیز تلخ است
توضیح معنی حدیث :

درین حدیث مبارک جناب رسول الله صلی الله علیه وسلم مثال
چهار نوع انسان را واضح بیان نموده فرموده اند :

۱ - حال آن مؤمنیکه در پهلوی عقیده پاک و راست عمل نیک نیز دارد ،
و همواره قرآن کریم را تلاوت میکند ، مانند ترنجبین است که هم رانکه
آن خوش آیند است و هم طعم خوشگوار دارد .

۲ - حال آن مؤمنیکه در پهلوی عقیده پاک و راست در عمل است
و ضعیف است و قرآن را تلاوت نمیکند ، مانند خرما است که طعم شیرین
و خوشمزه دارد اما بوی ندارد .

۳ - حال منافقی که عقیده پاک بخداوند (ج) ندارد و طبعاً قرآن را کلام

خداوند (ج)، نیز نمیداند ولی (از روی ریاکاری) باز هم قرآنرا تلاوت میکند، این عمل وی در ظاهر امر نزد مسلمان خوب جلوه میکند، مگر چون منافق شخص بی ایمان بوده و تلاوت وی قرآن را از روی ریاکاری و بغرض فریب مسلمان است لذا تلاوت او مانند گُلِ ریحان است که در ظاهر بوی خوش دارد اما طعم آن تلخ و ناپسند است.

۴ - حال آن منافقی که نه بخداوند (ج)، عقیده و ایمان دارد و نه به تلاوت قرآن کریم میپردازد، مانند حنظل (تربوز ابو حیل) است که نه بوی خوش دارد و نه طعم آن شیرین است یعنی در ظاهر و باطن ناخوش آیند است.

لذا در حدیث مبارک فوق الذکر از اصل ایمان به طعم و از اعمال که نمکین ایمان میباشد به بوی تعبیر شده است.

فوائد حدیث :

۱ - مؤمن کامل کسی است که در پهلوی عقیده پاک، عمل نیک هم داشته

- و همیشه بتلاوت قرآن کریم و دقت در معانی و مفاهیم آن خود را عادت میدهد.
- ۲ - مؤمن غیر کامل کسی است که عقیده پاک دارد، ولی در عمل ضعیف بوده و از روی تنبلی یا بی توجهی گاهی بتلاوت قرآن کریم مبادرت نمیورزد.
- ۳ - منافق کسی است که عقیده پاک بوحدانیت خداوند (ج)، و ارشاد آدینی ندارد، گرچه در ظاهر گاهی مصدر اعمال نیکو و پسندیده میگردد.

تمرین

- ۱ - فرق میان مؤمن کامل و غیر کامل چه بوده و در حدیث مبارک فوق الذکر از کدام آنها بچه مثال داده شده است ؟
- ۲ - منافق چه کسی را میتوان گفت و آیا صدور اعمال نیکو از شخص منافق منتج بکدام منفعتی نزد خداوند است، برای وی میگذرد یا چطور ؟
- ۳ - نتیجه که از حدیث مبارک فوق الذکر گرفته اید بصورت مختصر بیان نمایید .

عظمت قرآن کریم

عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ : قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ :

إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى قَرَأَ رُطْبَهُ وَبَيْسَ ، قَبْلَ أَنْ يَخْلُقَ السَّمَوَاتِ
وَالْأَرْضَ بِأَلْفِ عَامٍ ، فَلَمَّا سَمِعَتْ الْمَلَائِكَةُ الْقُرْآنَ ، قَالَتْ :
طُوبَى لِلْأُمَّةِ يَنْزِلُ هَذَا عَلَيْهَا ، وَطُوبَى لِلْأَجَوافِ تَحْمِلُ هَذَا
وَطُوبَى لِلْأَلْسِنَةِ تَتَكَلَّمُ بِهِذَا . (رواه الدارمی)

معنی حدیث :

از ابو هریره رضی الله عنه روایت است که گفت : رسول الله صلی الله علیه و آله

علیه وسلم ارشاد فرمودند : خداوند (ج، سوره) رطبه و بیس را هزار سال
قبل از پیدایش آسمان و زمین قرائت کرد . پس وقتی که شنیدند فرشتگان
قرآن را گفتند : خوشی و مبارک باد بر امتی که نازل میشود این قرآن برای ^{شان}

و خوشی و مبارک باد بر سینه ها نیکه حفظ می کنند آنرا ، و خوشی و مبارک باد
بر زبان ها نیکه تلاوت می کنند آنرا .

توضیح معنی حدیث :

مطلب درین حدیث شریف یا فضیلت و عظمت تمام قرآن عظیم الشان
می باشد که سوره های (طه و یس) جزء آند ، و یا فضیلت همین دوسوره
است ، زیرا که جزو کل قرآن هر دو قرآن گفته میشود . و برتری آنها
ازین وجه ثابت شده که هزار سال قبل از پیدایش آسمانها و زمین خداوند
قدوس این دوسوره را قرائت کرده و وقتی که ملائکه قرائت قرآن کریم را
شنیدند به خوشی و مبارکبادی است محمد صلی الله علیه وسلم آغاز نموده گفتند
که : مبارک باد بر آن نیکه قرآن کریم برای شان نازل میشود ، و بر دلها نیکه
آنرا در خود جا میدهند (حفظ می کنند) ، و بر زبان ها نیکه آنرا قرائت
می نمایند .

راجع به عظمت و بزرگی سوره یس ، از حضرت انس رضی الله عنه
روایت شده که گفت : جناب رسول الله صلی الله علیه وسلم ارشاد
فرمودند (۱) .

به تحقیق هر چیزی را دلی است ، و دل قرآن (سوره) یس است
و سیکه سوره یس را قرائت کند ، خداوند (ج) برای وی اجر ده مرتبه
قرائت قرآن را می دهد .

فوائد حدیث :

- ۱ - قرآن کریم از همه کتب آسمانی افضل و بهتر است .
- ۲ - حدیث مبارک فوق الذکر ما را به حفظ و قرائت قرآن کریم بالخاصه

(۱) عَنْ أَنَسٍ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ : قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ :
إِنَّ لِكُلِّ شَيْءٍ قَلْبًا وَقَلْبُ الْقُرْآنِ يَسٌ ، وَمَنْ قَرَأَ يَسَ كَتَبَ اللَّهُ لَهُ
بِعَرَاكَتِهَا قِرَاءَةَ الْقُرْآنِ عَشْرَ مَوَاطٍ . (رواه الترمذی)

برسوره های (طه و یس) تشوq میکند .

۳ - خداوند دج، قبل از پیدایش آسمان و زمین سوره های (طه و یس) را قرائت کرده است .

۴ - سوره های طه و یس شریف دارای فضیلت زیادی می باشد .

تمرین

- ۱ - دلیل فضیلت قرآن کریم نسبت به دیگر کتب آسمانی بیان نمایند.
- ۲ - خداوند تبارک و تعالی سوره های طه و یس را چند سال قبل از پیدایش آسمانها و زمین قرائت کرده است ؟
- ۳ - وقتی خداوند (ج) سوره های طه و یس را قرائت نمود ملائکه با شنیدن آن چه گفتند ؟

منع تلاوت کتب آسمانی دیگر بعد از نزول قرآن
 عَنْ جَابِرٍ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ عَنِ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ
 حِينَ آتَاهُ عُمَرُ فَقَالَ : إِنَّا نَسْمَعُ أَحَادِيثَ مِنْ يَهُودَ تُعْجِبُنَا،
 افْتَرَى أَنْ نَكْتُبَ بَعْضَهَا ؟ قَالَ :
 أَمْتَهُوَ كُونَ أَنْتُمْ كَمَا تَهْوَوْنَ الْيَهُودَ وَالنَّصَارَى ، فَقَدْ
 جُنْتُكُمْ بِهَا بَيْضَاءَ نَقِيَّةً ، وَلَوْ كَانَ مُوسَى حَيًّا مَا
 وَسِعَهُ إِلَّا اتِّبَاعِي .
 (رواه مسلم)

معنی حدیث :

حضرت جابر رضی اللہ عنہ از حضرت نبی کریم صلی اللہ علیہ وسلم
 روایت کرده است : وقتی کہ حضرت عمر (رض) نزد حضرت محمد (ص) آمد
 عرض کرد :

ہر آئینہ ما میثنویم از یہود سخنانی را کہ نیک معلوم میشود برای ما ،

معنی حدیث :

۱۵۱

از ابوسعید خدری (رض)، روایت است کہ گفت : از رسول اللہ
شنیدم کہ میفرمودند : کسیکہ دید از شما کار بدی را ، پس باید آنرا
بدست خود اصلاح نماید و اگر (با دست) نتوانست پس بزبان خود آنرا
منع کند و اگر (بزبان ہم) نتوانست پس باید در دل خود (از شخص
مرتکب) متنفر شدہ اورا بدبیند ، کہ این ضعیف ترین مرحلہ ایمان است .

معنی بعضی کلمات :

- ۱ - فَلْيُغَيِّرْهُ بِيَدِهِ : پس باید آنرا با دست خود اصلاح و تغییر دہد .
- ۲ - مُنْكَرًا : باضمہ میم و فتحہ کاف ، قبیح و ناشایستہ .

شرح معنی حدیث :

حضرت رسول اللہ صلی اللہ علیہ وسلم در حدیث گذشتہ مراتب اشخاص
ایماندار را بہ «جہ تقسیم فرمودہ اند : ۱ - کسیکہ قدرت و توانائی

آیا اجازه میدید که بعضی از آنها نوشته کنیم ؟
 رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمودند : آیا شما میخواهید که بینه از
 خود را (در گودال گمراهی) مثل یک انداخته خود را یهود و نصاری ؟ هر آینه
 آورده ام برای شما شریعتی را که روشن و واضح است . و اگر موسی زنده
 می بود چاره جز متابعت من نداشت .
 معنی بعضی کلمات :

- ۱ - تَعْجِبُنَا : نیک و بهتر معلوم میشود برای ما .
- ۲ - اَفْتَوٰی : آیا اجازه میدید ؟
- ۳ - بَيَضَاءٌ : روشن .
- ۴ - نَقِيَّةٌ : پاک ، صاف و واضح .
- ۵ - مَا وَسِعَهُ : در توان او نبود (چاره نداشت) .

توضیح معنی حدیث :

از حدیث مبارک فوق الذکر واضح می‌گردد که نوشتن کتب قبل
یعنی تورات ، زبور و انجیل بعد از نزول قرآن کریم ممنوع است . زیرا
حضرت عمر فاروق (رض) راجع بنویشتن قسمتی از تورات ، از حضرت رسول
اکرم (ص) معلومات خواستند ، و جناب رسول الله (ص) از نوشتن آن
منع فرمودند ، چون یهودیان تورات را تحریف نموده و اصل کتاب
خداوندی را پشت سر گذاشتند ، و هم با نزول قرآن کریم تمام کتب
آسمانی قبل منسوخ گردیده اند و علاوه بر آن قرآن کریم کتابی است
واضح ، روشن و مکمل که تا روز قیامت بحال خود مانده و در آن هیچ نوع
تغییر و تحریفی صورت گرفته نمیتواند و حافظ حقیقی آن خداوند متعال است ،
و خداوند بزرگ و عده محافظت را غیر از قرآن بدیگر کتب سماوی
نداده و این یکی از امتیازات دیگر قرآن کریم است ،

بناءً نوشتن کتب سماوی دیگر بعد از نزول قرآن جواز ندارد . زیرا اگر در خانه کسی چشمه صاف و روشن آب موجود باشد ، لازم نیست که در جستجوی آب مشکوک بجای دیگری برود ، بهین ترتیب پیروی کتب گوی غیر از قرآن کریم درست نیست .

ازینجاست که رسول اکرم (ص) در آخر حدیث چنین فرمودند :
اگر موسی زنده می بود جز متابعت من (پیروی از احکام قرآن) چاره نداشت .

فوائد حدیث :

- ۱ - قرآن کریم کتابیت روشن و مکمل .
- ۲ - قرآن شریف ناسخ تمامی کتب و صحیفه های سماوی دیگر است .
- ۳ - مسلمانان باید جز قرآن عظیم ایشان دیگر کتب سماوی را که بآیند قرآن منسوخ گردیده اند مطالعه ننمایند .

تسرين

- ۱ - حضرت عمر بن الخطاب رضی، در باره چه از پیغمبر خدا، حضرت محمد^ص طالب معلومات گردید ؟
- ۲ - حضرت رسول اکرم ص، برایش چه جواب دادند ؟
- ۳ - حضرت محمد رسول الله صلی الله علیه وسلم چه قسم شریعت را برای امت خود آورده است ؟

فضیلت روز جمعه

عَنْ أَبِي لُبَابَةَ بْنِ عَبْدِ الْمُنْذِرِ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ : قَالَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ :

إِنَّ يَوْمَ الْجُمُعَةِ سَيِّدُ الْإَيَّامِ وَأَعْظَمُهَا عِنْدَ اللَّهِ ، وَهُوَ
أَعْظَمُ عِنْدَ اللَّهِ مِنْ يَوْمِ الْأَضْحَى وَيَوْمِ الْفِطْرِ ، فِيهِ خَمْسُ
خِلَالٍ : خَلَقَ اللَّهُ فِيهِ آدَمَ وَأَهْبَطَ اللَّهُ فِيهِ آدَمَ إِلَى الْأَرْضِ
وَفِيهِ تَوَقَّى اللَّهُ آدَمَ ، وَفِيهِ سَاعَةٌ لَا يَسْأَلُ الْعَبْدُ فِيهَا
شَيْئًا إِلَّا أَعْطَاهُ مَا لَمْ يَسْأَلْ حَرَامًا ، وَفِيهِ تَقُومُ السَّاعَةُ .
مَا مِنْ مَلِكٍ مُقَرَّبٍ وَلَا سَمَاءٍ وَلَا أَرْضٍ وَلَا رِيحٍ وَلَا جِبَالٍ
وَلَا بَحْرٍ إِلَّا هُوَ مُشْفِقٌ مِنْ يَوْمِ الْجُمُعَةِ . (رواه ابن ماجه) ^{شكوة}
معنى حديث :

از ابولبابه بن عبد المنذر (رض)، روایت شده که گفت : جناب

رسول اکرم صلی الله علیه وسلم فرمودند :
 بدستی که روز جمعه بهترین روزها و بزرگترین آنهاست نزد خداوند (ج)،
 این روز بزرگتر است نزد خدا (ج)، از روز عید قربان و روز عید فطر.
 درین روز پنج خلعت و برتری وجود دارد :

- ۱ - خداوند (ج)، آدم (ع)، درین روز پیداکرده است .
 - ۲ - و فرافکنده خداوند (ج)، آدم را در همین روز بزمین .
 - ۳ - درین روز خداوند (ج)، آدم را قبض روح کرده است .
 - ۴ - درین روز ساعتی است که هر چه را بنده در آن ساعت از خداوند تعالی بخواهد ، در صورتیکه حرام را نخواسته باشد برایش میدهد .
 - ۵ - و قیامت در روز جمعه قایم میگردد .
- هر یک از فرشتگان مقرب بحضور الله تبارک و تعالی ، آسمان ، زمین ، بادها ، کوه ها و دریاها همه از عظمت (روز جمعه در هر اس) اند .

توضیح معنی حدیث :

از حدیث مبارک فوق الذکر معلوم می‌گردد که روز جمعه از سائر ایام دیگر افضل و منزلت آن نسبت به روزهای عید قربان و عید فطر نزد خداوند حج، بزرگتر است. گرچه درین حدیث شریف از روز عرفه صریحاً ذکرش بعمل نیامده است، ولی روز عید قربان متضمن روز عرفه نیز است لذا روز جمعه از روز عرفه هم برتری دارد.

و قسماً که روز جمعه از تمام روزهای دیگر بهتر گردید، معلوم شد که عبادت نیز درین روز مبارک اجر و ثواب بیشتر دارد. و از همه مهمتر اینکه در روز جمعه ساعتی نهفته است که هرگاه مناجات انسان با ساعت مذکور تصادف کند خداوند بزرگ آنرا بدربار خود مستجاب میکند. و البته حکمت درپنهان بودن ساعت اجابت دعا، اینست تا بنده تمام روز جمعه از ذکر و عبادت خدا حج، غافل نباشد. و نیز چون وقوع قیامت درین روز صورت می‌گیرد

لذا انسان باید همواره در آن به دعاء و استغفار مشغول و از قیام قیامت در هراس باشد ، نه تنها انسان ، بلکه حتی آسمانها ، زمین ، باد و سایر موجودات عالم همه از آنچه در روز اتفاق می افتد نیز در هراس اند .
فوائد حدیث :

- ۱ - روز جمعه نسبت به همه روز های دیگر افضل و بهتر است .
- ۲ - روز جمعه دارای پنج خصوصیت مهم و ارزنده است که در روز های دیگر حتی در ایام عیدین نیز چنین خصوصیت ها وجود ندارد .
- ۳ - در روز جمعه ^{عاشق} بنام ساعت اجابت دعاء از جانب خداوند (ج) ، قبول گردیده که دعای مشروع شخص مسلمان در آن ساعت مستجاب می گردد .
- ۴ - قیامت در روز جمعه واقع میگردد .

تسرين

۱ - دليل برترى روز مبارك جمعه نسبت بسائر روز ها چه بوده و واضح سازيد ؟

۲ - در روز جمعه کدام چيز ها در خوف و هراس ميباشند ؟

۳ - وقت قبول دعاء در روز جمعه معلوم است و يانه واضح بيان كنيد ؟

۴ - قيامت در کدام روز قايم ميگردد واضح سازيد ؟

صد اقت و راستی

و الله
لا

عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ مَسْعُودٍ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ : قَالَ رَسُولُ
صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ :

عَلَيْكُمْ بِالصَّدَقِ فَإِنَّ الصَّدَقَ يَهْدِي إِلَى الْبِرِّ
وَأَنَّ الْبِرَّ يَهْدِي إِلَى الْجَنَّةِ . وَمَا يَزَالُ الرَّجُلُ يَصْدُقُ
وَيَتَحَرَّى الصَّدَقَ حَتَّى يَكْتُبَ عِنْدَ اللَّهِ صِدْقًا .

معنی حدیث :
(متفق علیه)

از عبد الله بن مسعود رضی الله عنه روایت است که گفت : حضرت

رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمودند :

لازم است بر شما تا راستگوی باشید ، زیرا راستی رهنمائی می کند

به نیکوکاری ، و نیکوکاری رهنمائی میکند بسوی بهشت .

(ج ۱)

انسانیکه همیشه راست میگوید و پی راستی میگردد ، در آخر الامر نزد خداوند

بنام حدیث مسنی میگردد .

جلوگیری از کارهای نامشروع را به دست داشته باشند ، مکلف اند آنرا
بزور بازوی خود توقف داده از آن محالیت کنند ، از قبیل لت و کوب
شخص بدکار ، حبس و یا تبعید وی از منطقه .

۲ - کسانیکه قدرت اصلاح آنرا بدست وقت بازو نداشته و صرف
میتوانند بزبان تبلیغ نموده ، اشخاص بدکار را متوجه اعمال ناروایشان
ساخته و از آن محالیت کنند .

چنین اشخاص ، در صورت بجا آوردن وجه تبلیغ زبانی ، در درجه
دوم مستحق اجر و ثواب میگردند .

۳ - گروه سوم آنانی اند که نه قدرت بازو و نه هم توانائی لسانی دارند .
یعنی مجال تبلیغ را نیز ندارند . چنین اشخاص و ضعیف دارند تا حد اقل
از اشخاص بدکار و اعمال بد او شان قلباً متنفر بوده و بآنها بدیده کراهت
بنگرند ، که این عمل ضعیف ترین درجه شخص مؤمن است .

معنی بعضی کلمات :

- ۱ - عَلَیْكُمْ : بر شماست .
- ۲ - الْبِرِّ : نیکوکاری .
- ۳ - یَتَحَرَّیْ : فکر و کوشش می کند .
- ۴ - صِدِّیقًا : راستگوی .

توضیح معنی حدیث :

راستگویی و راستکاری از جمله بهترین اخلاق و عادات نیک بوده
که انسان بسبب آن در دنیا همواره با عزت و شرف بسر میبرد ، و در
دل های مردم دوستی و محبت وی جاگزین میشود و نیز در آخرت
مستحق اجر و ثواب عظیم میگردد .
از همین جاست که در قرآن کریم واحادیث نبوی (ص)، درین مورد
تأکیدات زیادی بعمل آمده است .

هرگاه این موضوع را با دقت تمام مورد مطالعه قرار دهیم، درمی یابیم
 که راستی ملاک و کلید تمام حسنات، و دروغ بانی و محرک تمام سیئات است.
 چه در صورتیکه انسان تصمیم قاطع بگیرد که هرگز دروغ نگوید، پس چنین شخص
 با انجام کار به و نادرست نیز اقدام نخواهد کرد. زیرا او میداند که بعد از ارتکاب آن
 در صورتیکه مورد تحقیق و سوال قرار بگیرد البته بار سنگینی بر علاوه شرمساری در جانش بمباران
 جرم و گناه ارتکاب شده خواهد داد، که این برایش خالی از ضرر نیست.
 در غیر آن جز دروغ گفتن راهی ندارد. پس تصمیم به راستگویی انسان را
 از ارتکاب همه بدی ها که عواقب ناگوار دارد، باز میدارد. لذا برست
 تا راستی و صداقت را شعار خود ساخته و هم در فامیل، مدرسه، محل کار
 و مجالس خصوصی و عمومی دیگران را نیز به آن تشویق نمائیم، تا در نتیجه به قلب
 همه انسانها نهان نزدیکی گردیده محبت و دوستی همه را کمالی کرده باشیم.
 و از همین سبب است که حضرت نبی کریم صلی الله علیه و سلم با دامنه

حدیث فوق الذکر چنین میفرماید :

وَإِيَّاكُمْ وَالْكَذِبَ فَإِنَّ الْكَذِبَ يَهْدِي إِلَى الْفُجُورِ
وَإِنَّ الْفُجُورَ يَهْدِي إِلَى النَّارِ ، وَمَا يَزَالُ الرَّجُلُ يَكْذِبُ
وَيَتَعَدَّى الْكَذِبَ حَتَّى يُكْتَبَ عِنْدَ اللَّهِ كَذِبًا .

ترجمه : پرهیزید از دروغ گفتن ، زیرا دروغ گفتن سوق میدهد (انرا) بسوی فسق و فجور ، و هر آینه فسق و فجور میکشاند (انرا) بآتش دوزخ و انانیکه همیشه دروغگوئی را عادت خود ساخته و پی دروغ گفتن می گردد ، در عاقبت اسرترده اند تعالی رج ، بنام کذاب یعنی دروغگوی مسی میگردد .

فوائد حدیث :

- ۱ - بر هر مؤمن لازم است که خود را به راستگوئی عادت دهد .
- ۲ - راستگوئی انان را بانجام کارهای نیک سوق میدهد و جای نیکوکار در جنت است .

۳ - شخص مومن که همیشه راست میگوید نزد الله (ج)، در زمره صدیقین حساب میشود .

۴ - شخص دروغگوی، فاسق و فاجر بار آمده، مستحق عذاب و آتش دوزخ میگردد .

تمرین

- ۱ - راست گفتن چه فائده دارد ؟
- ۲ - اضرار و عواقب و خیم دروغ گفتن را بیان نمائید .
- ۳ - فوائد دینی و اخروی راست گفتن را بیان نمائید .

عیادت مریض

عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ : قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ :

إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ يَقُولُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ : يَا ابْنَ آدَمَ ! مَرِضْتُ فَلَمْ تَعُدْنِي . قَالَ : يَا رَبِّ ! كَيْفَ أَعُودُكَ وَأَنْتَ رَبُّ الْعَالَمِينَ . قَالَ : أَمَا عَلِمْتَ أَنَّ عَبْدِي فُلَانًا مَرِضَ فَلَمْ تَعُدَّهُ ؟ أَمَا عَلِمْتَ أَنَّكَ لَوَعَدْتَهُ لَوْ جَدْتَنِي عِنْدَهُ . (رواه مسلم)

معنی بعضی کلمات :

- ۱ - عیادت : بکسر عین ، بیمار پرستی را گویند ، و عیادت بضم عین نیز آمده مشتق از عود بمعنی رجوع است که عاود نیز رجوع می کند بسوی بیمار .

معنی حدیث :

از ابو هريره رضی الله عنه روایت است که گفت : رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمودند :

خداوند عزوجل در روز قیامت میفرماید : ای فرزند آدم !
مریض شدم و بعیادت من نیامدی . (شخص مخاطب ، عرض مینماید : ای
پروردگار من ! من چطور عیادت کنم ترا در حالیکه تو رب العالمین هستی ؟
خداوند (ج) ، میگوید : آیا خبر نشدی که فلان بنده من مریض بود
و تو به پرسانش زحمتی ؟ آیا ندانستی که اگر تو به پرسان او میرفتی
البته مرا نزدش می یافتی ؟

توضیح معنی حدیث :

از حدیث فوق الذکر معلوم میشود که پرسان مریض در اسلام
امر ضروری دانسته شده ، حتی که خداوند (ج) ، در روز قیامت کسی را که

باین انسانی و اجتماعی بی اعتنائی کرده باشد ، مورد باز پرس و سرزنش
قرار داده برایش میگوید من مریض بودم و به عیادت من نیامدی . یعنی
بنده مؤمن و حق شناس من در وقت مریضی که منتهای حالت عجز و بیچارگی
وی بود بطرف من رجوع کرده و راز و نیاز او بسوی من بود و از من طلب
کلمت میکرد . بناءً اگر تو به پرسان او میرفتی ، از اینکه او خود را بسوی من
نزدیک ساخته بود ، پس در حقیقت مرا نزد او می یافتی .

آری ! دین مقدس اسلام در پهلوی تنظیم سائر مناسبات اجتماعی
بین افراد یک جامعه ، این بخش زنده گی اجتماعی مردم را نیز نادیده نگرفته
و همه میدانیم که در عیادت مریض چه اسراری نهفته است . زیرا
با عیادت مریض از یکطرف مریض روحاً تقویت میشود و از طرف دیگر
هرگاه بین طرفین و یا فامیل های شان که ام خصومت و نزاعی موجود باشد
در نتیجه این عیادت ، از بین رفته و فضای مملو از محبت و صمیمیت ایجاد می
گردد .

لهذا اعیادت مریض یکی از پایه های حکیم امور اجتماعی بوده و با پیروی
ازین هدایت ارزشمند پیغمبر اسلام (ص)، سعادت و خوشبختی دارین
نصیب انسان میگردد .

مفهوم حدیث فوق الذکر را عارف رومی چنین تنظیم کرده است:
آمد از حق نزد موسی این عقیب
که طلوع نور تو کردم ز جیب

مشرقت کردم بنور ایزدی
من حقم رنجور گشتم نادمی

گفت بهمانا که پاکی از زیان
این چه رنژست این بکن یارب عیان

باز فرمودش که من رنجور یم
چون نپرسیدی تو از روی کرم

گفت یارب نیت نقصانی ترا
عقل گم شد این گره را برکش

گفت ما را بنده خاص گزین
گشت رنجور او منم نیکو جبین

هست رنجوریش رنجوری من
هست معذوریش معذوری من

هر که خواهد بنشیند با خدا
گوشیند در حضور اولیا

یک زمانه صحبت با اولیا
بہتر از صد سال طاعت بی ریا

همچنین در مورد امر به نیکی و نهی از بدی خداوند تبارک و تعالی در

سوره آل عمران چنین فرموده است :

وَلْتَكُنْ مِنْكُمْ أُمَّةٌ يَدْعُونَ إِلَى الْخَيْرِ وَيَأْمُرُونَ بِالْعُرْوَةِ
وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ ﴿١٤﴾

(سوره آل عمران ۱۴)

ترجمه :

بالضرب ، باید باشد از شما گروهی که دعوت کنند (مردم را)
بسوی نیکی و بفرمایند به کار پسندیده و منع نمایند از کارهای زشت
و بد . و آن گروه کامیاب و رستگار اند .

امر بالمعروف و نهی از منکر نظریه آیه کریمه فوق الذکر و حدیث
گه نشسته و امثال آن نزد جمهور علماء واجب است و برخی گفته اند
که فرض کفائی است ولی گاهی فرض عین نیز میگردد . و آن
در صورتیست که عمل بد و نادر او در محلی باشد که غیر از یک شخص کسی دیگری

فوائد حدیث :

- ۱ - پرسان مریض در دین مقدس اسلام امر ضروری دانسته شده است .
- ۲ - الله (ج) در روز قیامت کسانی را که بیمار پرسی برادر مسلمان خود را نکرده باشند سزانش میکند .
- ۳ - با مریض پرسی انسان مسلمان ، خداوند (ج) باندازه از شخص مذکور خوش و راضی میگردد که گویا شخص عیادت کفنده خداوند (ج) را در خانه مریض ملاقات کرده باشد .

تشرین

- ۱ - عیادت مریض چه فائده دارد و ترک آن چه نقصان دارد ؟
- ۲ - خداوند حج، در روز قیامت کسانیرا که از شخص مریض در اثر بی توجهی و یا قصد اِعیادت نکرده باشند چه میگوید ؟
- ۳ - نتائج اجتماعی را که از مفهوم حدیث فوق الذکر بدست می آید واضح سازید .

مقام و درجه شهید

عَنِ الْقَدَامِ بْنِ مَعْدٍ يَكْرِبُ قَالَ : قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ :

لِلشَّهِيدِ عِنْدَ اللَّهِ سِتُّ خِصَالٍ ، يُغْفَرُ لَهُ فِي أَوَّلِ دَفْعَةٍ
وَيُرَى مَقْعَدُهُ مِنَ الْجَنَّةِ وَيَجَارُ مِنْ عَذَابِ الْقَبْرِ ،
وَيَأْمَنُ مِنَ الْفَزَعِ الْأَكْبَرِ ، وَيُوضَعُ عَلَى رَأْسِهِ تَاجُ الْوَقَارِ
الْيَاقُوتُ مِنْهَا ، خَيْرٌ مِنَ الدُّنْيَا وَمَا فِيهَا ، وَيَرْوَجُ
ثِنْتَيْنِ وَسَبْعِينَ رَوْجَةً مِنَ الْغُورِ الْعَيْنِ ، وَيُشَفَّعُ
فِي سَبْعِينَ مِنْ أَقْرَبَائِهِ . (رواه الترمذی وابن ماجه ،
معنى بعضی کلمات :

۱ - خِصَالٍ : صفات

۲ - یَجَارُ : نگاه داشته میشود .

۳ - یَأْمَنُ : در امان باشد .

۴ - تَاجُ الْوَقَارِ : تاج عزت .

۵ - فَزَعٌ : خوف و هیت .

معنی حدیث :

از مقدم بن معدیکرب رضی، روایت است که گفت : رسول^ش

صلی الله علیه وسلم فرمودند : که شهید نزد خداوند (ج)، دارای
شش صفات میباشد :

۱ - گنا مان او در دله اول بخشیده شده و جای او در بهشت نشان داده میشود .

از عذاب قبر در امان میماند .

۲ - از خوف و هیت بزرگ یعنی خوف روز قیامت در امان خواهد بود .

۴ - بر سر وی تاج عزت و افتخار نهاده میشود ، که یک جوهر آن بهتر از دنیا

و آنچه در دنیا است میباشد .

۴ - به نکاح داده میشود او را هفتاد و دو وزن (از جنس زنان حور عین) .

۵ - شفاعت او در مورد هفتاد نفر از اقربای وی قبول میشود (۱) .

توضیح معنی حدیث :

در حدیث مبارک فوق الذکر برای آن نیکوکارانیکه در راه خدا (ج) ،

و برای اعلامی کلمته الله میجنگند و بالاخره جان شیرین خود از دست میدهند

(۱) ذکر چنین اعداد نزد جمهور علماء ، چه در آیات متبرکه و چه هم در احادیث نبوی (ص) ، برای حصه نموده بلکه برای افاده کثرت و تاکید زیاد بودن ثواب است . چنانچه الله (ج) می فرماید :

مَثَلُ الَّذِي يَتَقِمُونَ آمَوالَهُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ كَمَثَلِ حَبَّةٍ أَنْبَتَتْ سَبْعَ سَنَابِلٍ فِي كُلِّ سَنَابِلَةٍ مِائَةُ حَبَّةٍ ۖ وَاللَّهُ يُضَعِفُ لِمَنْ يَشَاءُ ۖ وَاللَّهُ وَاسِعٌ عَلِيمٌ .

ترجمه :

صفت آنانیکه خرج میکنند اموال خود را در راه خدا ، مانند صفت یکدانه

است که برآید هفت خوشه را ، که در هر خوشه صد دانه باشد . خداوند دوچند (زیاد) میدهد هر که را خواهد و خدا جواد دانا است .

مژده داده است که در برابر این قربانی بزرگ که شهادت و فدا کردن جان آنها بوده درجات بس عظیمی در روز قیامت بانتظار او شان است، چنانچه در حدیث مذکور شش صفت آن تصریح شده است .

لذا درین حدیث مبارک بر علاوۀ اینکه مقام و منزلت شهید را بیان میکند ، مجاهدین فی سبیل^ش را نیز روحاً تقویت مینماید تا دلیرانه با دشمنان اسلام جهاد نموده و درین راه از مرگ هراس نداشته باشند . زیرا چنین مرگ در حقیقت حیات ابدی و زنده گی جاویدان است .

چنانچه الله تبارک و تعالی میفرماید :

وَلَا تَقُولُوا لِمَن يُقْتَلُ فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَمْوَاتٌ ، بَلْ أَحْيَاءٌ
وَلَكِن لَّا تَشْعُرُونَ ط

ترجمه : و مگوئید کسی را که کشته شود در راه خدا که ایشان مرده گانند، بلکه ایشان زنده اند اما شما آگاه نمیشوید .

فوائد حدیث :

- ۱ - خداوند حج، شفاعت شهید را در مورد هتفاد نفر از اقر بایش قبول می‌نماید .
- ۲ - قبل از قبض روح جایگاه او در بهشت برایش نشان داده میشود .
- ۳ - از عذاب قبر در امان می‌باشد .
- ۴ - از خوف و همیت روز قیامت در امان می‌باشد .
- ۵ - بر سر وی تاج عزت و کرامت نهاده میشود که یا قوت آن از تمام دنیا و مافیها بهتر است .

تمرین

- ۱ - درجات و عده داده شده برای شهید چند و کدام اند ؟
- ۲ - شفاعت شهید در مورد کی و چند نفر مورد قبول است ؟
- ۳ - کلمات ذیل را ترجمه کنید :

۱ - خِصَالِ .

۲ - يُجَارُ .

۳ - يَا مَنْ .

۴ - تَاجُ الْوَقَارِ .

۵ - حُورٌ عِينٌ .

- ۴ - حدیث شریف فوق الذکر را حفظ نمائید .

زیارت قبور

عَنْ ابْنِ عَبَّاسٍ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ : مَرَّ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ بِقُبُورٍ بِالْمَدِينَةِ فَأَقْبَلَ عَلَيْهِمْ بِوَجْهِهِ فَقَالَ : السَّلَامُ عَلَيْكُمْ يَا أَهْلَ الْقُبُورِ ! يَغْفِرُ اللَّهُ لَنَا وَلَكُمْ أَنْتُمْ سَلَفُنَا وَنَحْنُ بِالْآثِرِ . (رواه الترمذی وقال هذا حديث حسن)

معنی حدیث :

از عبدالله بن عباس رضی الله عنه روایت است که گفت :
حضرت نبی کریم صلی الله علیه وسلم بر قبرهایی در مدینه گذر نمود ، پس
رو بروی آنها ایستاده فرمودند : سلام باشد بر شما ای صاحبان
قبرها ، خداوند تعالی ما و شما را بیا مرزد ، شما پیش گذشتگان ما
هستید و ما در پی شما (میرسیم) .

همچنان از حضرت بریده رضی الله عنه روایت شده که گفت :
 آنحضرت صلی الله علیه وسلم تعلیم میداد صحابه کرام (رض) را و تسبیح
 بزیارت قبور می برآمدند ، اینکه : بگوئید : سلام باشد بر شما ای اهل
 خانه از مومنان و مسلمانان . هر آینه ما هم ، اگر رضای خداوند
 باشد ، با شما پیوسته می هستیم . از خداوند (ج) ، برای خود و شما
 سوال سلامتی (از عذاب دنیا و آخرت) را میمائیم . (۱)

و همچنین از ابن مسعود رضی الله عنه روایت شده که :
 هر آینه رسول الله صلی الله علیه وسلم به صحابه کرام (رض) فرمودند :
 شما را قبلاً از زیارت منع کرده بودم ، پس زیارت آنرا بکنید ،

(۱) عَنْ بَرِيدَةَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ : كَانَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ :
 يَخْلُقُهُمْ إِذَا خَرَجُوا إِلَى الْمَقَابِرِ ، السَّلَامُ عَلَيْكُمْ أَهْلَ الدِّيَارِ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُسْلِمِينَ
 وَإِنَّا إِن شَاءَ اللَّهُ بِكُمْ لَاحِقُونَ ، نَسْأَلُ اللَّهَ لَنَا وَلَكُمْ الْعَافِيَةَ . (رواه مسلم) شکره

بر آن علم نداشته باشد، لذا امر به معروف و نهی از منکر بر چنین شخص فرض عین است .

فوائد حدیث فوق الذکر :

۱ - کسیکه کار بد شخص دیگر را بزور بازو و قدرت جسمی خود

اصلاح نمود در درجه قوی ایمان قرار دارد .

۲ - کسیکه کار نامشروع را به زبان خود اصلاح نمود در درجه دوم

ایمان قرار دارد .

۳ - کسیکه از عمل ناروای شخص دیگر صرف در قلب خود

نفرت داشته و او را بد بیند، چنین شخص باز هم مؤمن گفته میشود

ولی در ضعیف ترین درجه ایمان قرار دارد .

زیرا زیارت قبور سبب زهد و تقوی در دنیا و یادآوری از آخرت می‌گردد. (۱)
آداب زیارت قبور :

علماء گفته اند : چون شخصی قصد زیارت قبر کسی را نماید باید
قبل از دو رکعت نماز را ادا کرده ، در حق مرده دعا کند و هم ثواب نماز را
برای مرده در قبر بخشد . در قبرستان پای پوش برداشته به قبر مرده روبرو
در حالیکه پشت او بطرف قبل باشد ، ایستاده شود و این کلمات را بگوید :
السَّلَامُ عَلَيْكُمْ يَا أَهْلَ الْقُبُورِ . يَغْفِرُ اللَّهُ لَنَا وَلَكُمْ ، أَنْتُمْ
سَلَفُنَا وَنَحْنُ بِالْآثَرِ .

در هنگام دعا روبرو قبله ایستاده شود و برای مرده دعای مغفرت کرده

(۱) عَنْ ابْنِ مَسْعُودٍ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ : أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ
قَالَ : كُنْتُ نَهَيْتُكُمْ عَنْ زِيَارَةِ الْقُبُورِ فَزُورُوهَا ، فَإِنَّهَا تَزْهَدُ فِي اللَّهِ نَبَا
وَتَذَكِّرُ الْآخِرَةَ . (رواه ابن ماجه) مشكوة

و هم برای خود آنچه مطلوب باشد ، از بارگاه ایزد متعال بخواهد . «قبر زنج کردن ،
 شمع را روشن نمودن ، تنور را گرم نمودن ، تار بستن و غیره اعمالیکه در برخی
 از مناطق رواج دارد بکلی مخالف شرع بوده حرام میباشد .
 فوائد حدیث گذشته :

از حدیث مبارک فوق الذکر رفتن حضرت رسول الله (ص) به قبرستان
 و ایستادن او (ص) ، روبروی آنها و بعد از سلام گفتن بر او شان و نیز دعا
 کردن رسول اکرم (ص) بر سر قبرها ، برای اهل قبور و برای خودش ، ثابت
 میگردد .

تقرین

- ۱ - آیا جناب رسول الله صلی الله علیه وسلم بزیاارت قبر بارفته اند و یا نه؟
- ۲ - حضرت پیامبر خدا صلی الله علیه وسلم هنگام زیارت قبور چه قسم ایستاده شدند و چه فرمودند؟
- ۳ - حدود و اندازه عمل یک مسلمان را هنگام زیارت قبور بر اساس احادیث فوق الذکر طور مفصل بیان نمایند.
- ۴ - زیاده روی یا نیکه امروز در بین یکسده مردم عوام، بشکل رسم و رواج و یا بشکل عقیده باطله در هنگام زیارت قبور رائج گردیده آنرا از دیدگاه اسلام و بر اساس احادیث متبرکه که فوق الذکر مفصلاً توضیح داده برای مردم تفهیم نمایند.

طرز سخن گفتن و برخورد با مردم

عَنْ أَنَسٍ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ : أَنَّ النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ :
كَانَ إِذَا تَكَلَّمَ بِكَلِمَةٍ أَعَادَهَا ثَلَاثًا حَتَّى تُفْهَمَ عَنْهُ ،
وَإِذَا آتَى عَلَى قَوْمٍ فَسَلَّمَ عَلَيْهِمْ ، سَلَّمَ عَلَيْهِمْ ثَلَاثًا .
معنی حدیث :

(رواه البخاری)

از حضرت انس رضی الله عنه روایت است که : هر وقتی که رسول الله
صلی الله علیه وسلم سخن میگفتد کلمات مهم آنرا سه بار تکرار میکردند تا سخن
شان نهیده شود ، و چون نزد گروهی می آمدند و بر آنها سلام میکردند ، سه بار
آنرا تکرار مینمودند .

شرح حدیث :

سخن گفتن در هر مقام از خود طریقه خاصی دارد . انسان باید
طوری سخن گوید تا کلام او در دل مردم جاگزین گردیده و سخن نامی او را
طور صحیح و درست بفهمند ، مقصد اینکه بشنیدن سخنان او علاقه بگیرند
کلمات گوینده باید عام فہم باشد تا شنونده به بسیار آسانی آنرا درک کرده
بتواند ، و از تعرض زبانی خود داری نماید تا باعث آزر دگی خاطر کس
نگردد .

نزد مردم کم علم استعمال الفاظ و کلمات مشکل ، نتیجہ معکوس داشته
تبلیغ و دعوت خود را بی نتیجہ گردانیدن است .

حضرت انس رضی اللہ عنہ راجع بہ سخنان رسول اللہ صلی اللہ علیہ وسلم
گفتند کہ : روئے حضرت رسول اکرم صلی اللہ علیہ وسلم چنین بود کہ وقتی
بحرف زدن شروع میکردند ، ہر جملہ خود را تہ بار تکرار مینمودند ، تا

مردم سخن آنحضرت (ص)، را طور صحیح بفهمند و بعداً تا جائیکه در توان و طاقت
شان باشد بر آن عمل نمایند .

حضرت عایشه صدیقہ رضی اللہ عنہا طرز و طریقہ سخن گفتن
رسول اللہ صلی اللہ علیہ وسلم را چنین بیان فرموده اند :
گفتار رسول اللہ صلی اللہ علیہ وسلم ، گفتاری بود ، روشن ، طوریکه هر
شنونده - آزرای فهمید (۱) .

اینکه حضرت پیامبر اسلام (ص)، در آغاز ورود بیک جماعتی و یا قومی سه بار
سلام میدادند دلایل زیادی دارد :

چنانچه خطابی رحمتہ اللہ علیہ میگوید : سه بار سلام دادن بخاطری

(۱) عَنْ عَائِشَةَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهَا قَالَتْ : كَانَ كَلَامُ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ
وَسَلَّمَ كَلَامًا فَضْلًا يَفْهَمُهُ كُلُّ مَنْ يَسْمَعُهُ . (رواه ابو داود)

بوده که مردم زیاد بوده اند .

لذا در اول ، وسط و آخر (جمعیت مردم) سه بار سلام داده اند
تا سلام آنحضرت صلی الله علیه و سلم را همه حضار طور درست درک
کنند . و یا اینکه مراد از سه بار سلام دادن اینست که :

سلام بار اول برای اجازه خواستن دخول بمنزل شخصی ، و بار دوم برای
تحیّنه و تعارف ، و بار سوم برای وداع است .

فوائد حدیث :

۱ - انسان باید مطالب گفتنی خود را طور واضح و قابل فهم برای جانب
مقابل اتفاق نماید ، گرچه این امر ایجاب تکرار را نیز نماید ، تا مخاطب
آنرا درست بفهمد .

۲ - برای عالم و معلم لازم است تا بهنگام تبلیغ و تدریس مطابق به سبب
مخاطبین خود صحبت نماید .

۳ - در شروع تدریس (وارد شدن بدرسه و صنف) و قبل از آغاز تبلیغ
باید معلم و نیز مبلغ به حضار سلام بدهد .

تمرین

- ۱- طرز تدریس معلم و تبلیغ مبلغ و عالم باید چگونه باشد ؟
- ۲- تکرار کدام چه وقت مستحسن است ؟
- ۳- تکرار کلمات در حالت تدریس و تبلیغ چه فائده دارد ؟

بهترین اوصاف زن منکوحه

عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ : قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ :

تُكْحَمُ الْمَرْأَةُ لِأَرْبَعٍ ، لِمَالِهَا وَلِحَسَبِهَا وَلِجَمَالِهَا وَلِدِينِهَا
فَأَضْفَرُ بِذَاتِ الدِّينِ تَرِبْتُ يَدَ الْكَ . (متفق عليه)
معنی حدیث :

از ابو هریره رضی الله عنه روایت است که گفت : جناب رسول الله صلی الله علیه وسلم ارشاد فرمودند :

زن بخاطر چهار صفت بنکاح گرفته میشود : بخاطر مال و دارائی،
مقام و منزلت فامیلی، حسن و بخاطر دینداریش .
پس در جستجو و انتخاب زن دیندار باش ، خاک آلود باد دستهایت .

تشریح

- ۱ - امر معروف ونہی از منکر بکدام آیت ثابت شدہ است ؟
- ۲ - مراتب امر بمعروف ونہی از منکر نظریہ حدیث فوق الذکر چند است واضح سازید ؟
- ۳ - امر بمعروف ونہی از منکر فرض است یا واجب و یا چطور ؟
- ۴ - چرا کسیکہ عمل ناروای شخص دیگری را مشاہدہ کند ولی اورا صرف در قلب خود بد بیند ، در ضعیف ترین درجہ ایمان قرار دارد ؟
- ۵ - حال کسانیکہ اعمال زشت و نامشروع اشخاص دیگر را مشاہدہ نمیدیند ولی با وجود قدرت و توانائی جسمی و یا زبانی باز ہم در برابر آنہابی تفاوتی نشان دادہ و با صلاح آنہا نمیپردازند ، نظریہ حدیث مبارک فوق الذکر ، چہ خواہد بود ؟

شرح حدیث :

از حدیث فوق الذکر معلوم میشود که در انتخاب زن منکوحه چهار

صفت ذیل از همه بیشتر قابل دقت است :

۱ - ثروت و دارائی زن ، تا در وقت ضرورت از آن استفاده بعمل آید .

زیرا که زن مالدار هنگام ضرورت ، مال و دارائی خود را غالباً در اختیار شوهر قرار میدهد . و یا اینکه هنگام تنگدستی شوهر بروی سخت نگرفته و گاهی دارائی شخصی خود را صرف ضروریات پومیه مینماید .

۲ - حسب و نسب زن (از خانواده شریف باشد) تا فرزندان شریف و

نیکو و صاحبان علم و دانش را بجامعه تقدیم نماید . و هم در صورت داشتن نام و نسب خانوادگی از زندگی با شوهر در هر قسم شرایطی سازگاری نشان داده و از بسا اموریکه باعث سرافکندگی و پایمال شدن شهرت خانوادگی وی گردد احتراز مینماید .

۳ - حسن و جمال زن ، که داشتن ^{این} صفت خواہشات نفسانی شوہر را
بر آورده ساخته و باعث قناعت او و خود داری وی از داشتن نظر
بر دیگران میگردد .

۴ - دینداری زن ، که از پر ارزش ترین صفات زن بوده و زن دیندار
و باتقوی بیچوقت با اعمال ناشایسته دست نمیزند ، باشوہر خود رفتار صادقانه
داشته ، شرف و آبروی او را در ہر حال حفظ نموده ، مال و دارائی او را
با کمال امانت داری نگہداری کرده ، اولاد خود را تربیہ درست نموده و در
امور زوجیت و خانوادگی ہمیشہ ارشادات دینی را در نظر داشته باشد .

ہر گاہ این ہمد اوصاف در وقت انتخاب زنی بحیث منکوصہ در نظر
گرفته شود خوب و بہتر است . ولی از دیانت و تقوی چشم پوشی کردن
و تنہا بخاطر مال و دارائی و یا بخاطر داشتن حسن و زیبائی زنی را کہ بامور
دینی پابندی و اعتنائی نداشته باشد بنکاح گرفتن ، کار مردان باتقوی

و شیوه یک مسلمان کامل نیست .

از اینجاست که رسول الله صلی الله علیه وسلم برای مسلمانان هدایت و ارشاد فرموده اند که : **عَنْصَرُكُمْ فِي نِكَاحِ عِبَارَتٍ مِنْ دِيَانَتٍ وَتَقْوَى دَارِيتٍ .**
تَرَبَّتْ يَدَاكَ : در اصل معنی دعای بدست (بذلت و هلاکت) و در اینجا حقیقت آن مراد نیست ، بلکه مراد از آن برانگیختن برکاری است .
فوائد حدیث :

- ۱ - در وقت تصمیم باز دواج بازنی بایست چهار وصف عمده که عبارت از ثروت و مال داری ، حب و نسب ، حسن و زیبائی و نیز دیانت زن است ، نظر گرفته شود .
- ۲ - از جمله چهار وصف مذکور دیانت و تقوای زن مقام اولیت دارد .

تمرین

- ۱ - منکوه باید چگونه اوصاف داشته باشد ؟
- ۲ - در صفات منکوه کدام یکی را باید حق اولیت داد ؟
- ۳ - چرا داشتن دارائی و نیز نام و نسب در نکاح زن پر ارزش دانسته شده ؟

عَاقِل در نظر اسلام کیست؟

عَنْ شَدَّادِ بْنِ أَوْسٍ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ : قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ :

الْكَيْسُ مَنْ دَانَ نَفْسَهُ وَعَمِلَ لِمَا بَعْدَ الْمَوْتِ ،
وَالْعَاجِزُ مَنْ أَتْبَعَ نَفْسَهُ هَوَاهُ وَتَمَنَّى عَلَى اللَّهِ .

معنی بعضی کلمات :

(رواه الترمذی)

- ۱ - الْكَيْسُ : شخص دانا ، عاقل .
- ۲ - دَانَ : کنترل کرد ، در قبضه و اختیار آورد .
- ۳ - الْعَاجِزُ : نادان ، جاہل .
- ۴ - هَوَاهُ : خواہشات نفسانی خود را .
- ۵ - تَمَنَّى : آرزو ، امید .

معنی حدیث :

از حضرت شہاد بن اوس رضی اللہ عنہ روایت است کہ گفت :

رسول اللہ صلی اللہ علیہ وسلم فرمودند : شخص عاقل کسی است
کہ نفس خود را (ہمیشہ) در کنترل داشته برای زندگی بعد از مرگ
آمادہ گی گیرد . و نادان کسی است کہ تابع میگرداند نفس خود را
برای خواہشات نفسانی خود ، و (باز ہم) امیدوار خوشی باشد از خدا^(ج) .
توضیح معنی حدیث :

حضرت رسول اکرم ص ، درین حدیث مبارک معیار اصلی
یک انسان ہوشیار و ذکی و نیز نشانی انسان نادان را در جملات
خیلی موجز ارشاد فرمودہ اند :

واقعاً انسان ذکی و دانا کسی است کہ نفس خود را در کنترل
و ادارہ خود داشته و مانع سرکشی و طغیان آن گردد . زیرا ہمہ میدانیم

که نشاء اصلی تمامی فتنه ها و فساد ها همانا عصیان و بدکاری و لجاجت
گسیختگی نفس سرکش انسان ها است .

پیروی از خواہشات نفسانی بر علاوہ اینکه انسان را در دنیا خوار و ذلیل
میسازد . آخرت او را نیز خراب نموده موجب عذاب خداوندی می گردد .
لذا انسان خوشبخت کسی است که اولتر از همه از خود شروع کرده و خود را
اصلاح سازد ، تا ہم در دنیا زندگی آبرو مند و با وقار داشته و ہم
برای حیات جاودانی خود اجر و ثوابی کمائی کرده باشد .

بالعکس شخصیکہ از خواہشات نفسانی خود پیروی مینماید شخص نادان
و عاقبت نیاندیش بوده کہ برای خود و نہ برای دیگران ، برای ہیچکس
چیزی را از پیش برده نمیتواند . و یکی از علل ہم برجستہ نادانی این اشخاص
اینست کہ با وصف ارتکاب اعمال ناشایستہ و زشت با امید نجات
از عذاب خداوندی نیز میسازند .

فوائد حدیث :

- ۱ - اشخاص عاقل و فہمیدہ نفس خود را ہمیشہ در کنترل داشته و از سرکشی جلوگیری نمایند .
- ۲ - اشخاص دانا و عاقل برای کسب سعادت اخروی ہمیشہ با انجام اعمال صالحہ مبادرت می ورزند .
- ۳ - شخصیکہ تابع خواہشات نفسانی خود گردد نادان و جاہل است .
- ۴ - انسان باید وسعت رحمت الہی را تعبیر غلط و مطابق دلخواہ خود نکرده آرزو و امیدواری بیجا نداشته باشد .

تمرین

- ۱ - شخص عاقل و دانا کیست ؟
- ۲ - نادان و جاہل عبارت از کدام شخص است ؟
- ۳ - کدام شخص آرزو و توقع بیجا میکند ؟
- ۴ - ہر گاہ انسان تابع خواہشات نفسانی خود باشد علاوہ بخران
اضروی در دنیا چه عواقب ناگوار را انتظار باید داشتہ باشد ؟

امیر عادل و امیر ظالم

عَنْ عُمَرَ بْنِ الْخَطَّابِ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ : قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ :

إِنَّ أَفْضَلَ عِبَادِ اللَّهِ عِنْدَ اللَّهِ مَنْزِلَةً يَوْمَ الْقِيَامَةِ
إِمَامٌ عَادِلٌ رَقِيقٌ ، وَإِنَّ شَرَّ النَّاسِ عِنْدَ اللَّهِ
مَنْزِلَةً يَوْمَ الْقِيَامَةِ إِمَامٌ جَائِرٌ خَرِيقٌ .

(رواه البيهقي في شعب الإيمان)

معنی بعضی کلمات :

- ۱ - أَفْضَلَ : فاضل تر - بہتر .
- ۲ - مَنْزِلَةً : از روی قدر و رتبہ .
- ۳ - إِمَامٌ : پیشوا ، پادشاہ ، سلطان .

برخی از تعالیم اسلامی

عَنْ أَبِي سَفْيَانَ صَخْرِ بْنِ حَرْبٍ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ فِي حَدِيثِهِ الطَّوِيلِ فِي قِصَّةِ هِرَقْلٍ ، قَالَ هِرَقْلُ : فَمَاذَا يَا مَرْكُمُ ، يَعْنِي النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ ، قَالَ أَبُو سَفْيَانَ : قُلْتُ ، يَقُولُ : أَعْبُدُوا اللَّهَ وَحْدَهُ وَلَا تَشْرِكُوا بِهِ شَيْئًا ، وَأَتْرَكُوا مَا يَقُولُ آبَاءُكُمْ ، وَيَأْمُرُنَا بِالصَّلَاةِ وَالصَّدَقِ وَالْعَفَافِ وَالصِّلَةِ .

معنی حدیث : (رواه البخاری و المسلم)

از ابی سفیان صخر بن حرب درض ، روایت است ، در حدیث طولانی اش در باره قصه هرقل که هرقل گفت : پیغمبر خدا ص ، شما را به چه امر میکند ؟ ابوسفیان گفت ، گفتم میگوید : عبادت کنید

۴ - عَادِلٌ : صاحب عدل و انصاف ، عدالت کننده .

۵ - رَقِيقٌ : نرم دل .

۶ - شَرَّ النَّاسِ : بدترین مردم .

۷ - جَائِرٌ : ظالم ، جورکننده .

۸ - خَرِيقٌ : سخت دل ، بدخوی ، زشت .

معنی حدیث :

از حضرت عمر بن الخطاب رضی الله عنه روایت است که گفت :

رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمودند : بدستی که بهترین بندگان خداوند^(ج)

از حیث مقام ، نزد خداوند (ج) ، در روز قیامت زمام دار عادل

و نرم دل است ، و هر آینه بدترین مردم نزد خداوند (ج) ، در مقام و

منزلت ، بروز قیامت پادشاه و اولوالا امر ظالم و بدخوی است

توضیح حدیث :

از حدیث مبارک گذشته معلوم میشود که بهترین و برترین بندگان از روی مقام و منزلت نزد خداوند (ج)، در روز قیامت زما دار عادل و نرم دل میباشد و بالعکس بدترین و زشت ترین مردم از حیث مقام و منزلت نزد خدا (ج)، در روز قیامت آن کسانی خواهند بود که با وجود داشتن عهده زما داری قوم، بدخوی، ظالم و سخت دل باشند.

همچنان از ابوسعید رضی الله عنه روایت است که گفت : جناب رسول الله صلی الله علیه و سلم فرمودند :

هر آینه محبوب ترین و نزدیک ترین مردم نزد خداوند (ج)، در روز قیامت

(۱) وَعَنْ أَبِي سَعِيدٍ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ : قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ : إِنَّ أَحَبَّ النَّاسِ إِلَى اللَّهِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَأَقْرَبَهُمْ مِنْهُ مَجْلِسًا ، إِمَامٌ عَادِلٌ ، وَإِنْ أَبْغَضَ النَّاسُ إِلَى اللَّهِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَأَشَدَّهُمْ عَدَاوًا - وَفِي رِوَايَةٍ وَابَعْدَهُمْ مِنْهُ مَجْلِسًا ، إِمَامٌ جَائِرٌ .

(رواه الترمذی و ابوداود و ابن ماجه)

از حیث مقام و منزلت و جایگاه ، زمام دار عادل ، و مبعوض ترین اوشان
نزد اوتعالی و سخت ترین آنها از روی عذاب در روز قیامت ، و در روا^{یتی}
دورترین مردم از خداوند (ج) ، از حیث جایگاه ، زمام دار ظالم است .
فوائد حدیث :

- ۱ - بهترین بندگان کسی است که نزد خداوند (ج) محبوب باشد .
- ۲ - نزد خداوند (ج) ، در روز قیامت نزدیکترین بندگان امیر عادل
و نرم دل ، و بدترین و دورترین اوشان زمام دار ظالم خواهد بود .

تمرین

- ۱ - نزد خداوند (ج) در روز قیامت چه کسانی از حیث مقام و منزلت نزدیک خواهند بود ؟
- ۲ - چه کسانی روز قیامت از حیث مقام و مرتبه نزد خداوند (ج) ازلی و حقیر خواهند بود ؟

عضو و بخشش

عَنْ ابْنِ مَسْعُودٍ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ : كَانِي أَنْظُرُ
إِلَى رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ :
يَخْكِي نَبِيًّا مِنَ الْأَنْبِيَاءِ صَلَوَاتُ اللَّهِ وَسَلَامُهُ عَلَيْهِمْ
ضَرْبَهُ قَوْمَهُ ، فَأَذْمُوهُ ، وَهُوَ يَمْسَحُ الدَّمَ عَنْ
وَجْهِهِ وَيَقُولُ : اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِقَوْمِي فَإِنَّهُمْ لَا يَعْلَمُونَ
معنی بعضی کلمات :

(متفق علیہ)

- ۱ - ضَرْبَهُ قَوْمَهُ : اورا قوش زد .
- ۲ - يَخْكِي نَبِيًّا :- حکایت از پیامبری میکرد .
- ۳ - فَأَذْمُوهُ : پس خون آلود ساختند اورا .
- ۴ - يَمْسَحُ : پاک میکرد .

۵- عَنْ وَجْهِهِ : از روی خود .

معنی حدیث :

از ابن مسعود (رض) روایت است که گفت : مشک که من ^{کن} (آن) بسوی رسول الله صلی الله علیه وسلم می بینم در حالیکه ایشان در باره پیغمبری از پیغمبران علیهم السلام قصه می نمایند که قوش او را زده و خون ^ش او را ساختند و او در حالیکه خون را از رویش پاک میکرد چنین میگفت : ای خداوند ! قوم مرا بیا مرز ، زیرا ایشان نمیدانند .

توضیح معنی حدیث :

در حدیث مبارک فوق الذکر حضرت بنی کریم صلی الله علیه وسلم حال یکی از پیامبران سابقه را برای اصحاب خود حکایت نمودند و آن چنین بود که : آن پیامبر برای قوم خود را جمع بوحدا نیت خداوند ^(ج) و احکام آسمانی وعظ و نصیحت میکردند ، ولی چون قوم او نادان و جاہل بودند

نصیحت وی را قبول نکرده و بمقابلہ برخاستند ، و بعدی اورالت و کوب نمودند کہ از بدن مبارک شان خون جاری گردید ، ولی آن پیامبر با وصف اینهم ، در حالیکہ خون را از روی خویش پاک میکرد ، دعا ، کمان میگفت : خداوند ! قوم مرا بجشای ، زیرا کہ ایشان از روی نادانی مرا تکلیف و آزار دادند .

این حدیث مبارک برای ما درس صبر ، استقامت ، عفو و بخشش را در مقابل اشخاص نادان و جاہل میدہد . چنانچہ آن پیامبر بزرگوار در برابر ظلم و تجاوز قویش از صبر و استقامت کار گرفت ، و بعض دعا ی بد و انتقام ، از خداوند (ج) برای قوم متعرض خود طلب مغفرت نمود .

انسان باید ہمیشہ عفو و بخشش را شعار خود ساخته و در برابر رویہ و سلوک زشت اشخاص جاہل از صبر و بردباری کار گرفته زود رنج و بی حوصلہ

نباشد ، گرچه قدرت انتقام گرفتن را نیز دارا باشد . زیرا در مقابل
بالمثل بر علاوه اینکه انسان از ثواب اخروی محروم میشود ، در این
دنیا نیز موجب ایجاد تشنج و کشیدگی های زیاد و حتی قتل و قتال میگردد
که هیچ صورت بنفع فرد و جامعه نمیشد .

هرگاه ظالم دشمنی باشد که در مقابل مسلمانان ایستادگی کرده
و بخوابد دین اسلام را تضعیف و یا وطن مسلمانان را بظلم بگیرد و یا آزادی
ایشان را سلب نماید ، عفو چنین دشمن ظالم جائز نبوده بلکه بر همه مسلمانان
لازم است تا در مقابل وی جهاد و از شروی خود را در امن ساخته و هم
مسلمانان را از ظلم وی نجات دهند ، تا قرآن کریم را در آن و یار
حاکم گردانیده و شریعت محمدی (ص) را جاری نگه دارند .

فوائد حدیث :

- ۱ - در مقابل ظلم ظالم، صبر و استقامت نمودن و او را عفو کردن امری است بہتر .
- ۲ - در مقابل ظلم ظالم دعای بد نباید کرد . بلکہ دعای ہدایت براہ راست در حق وی باید نمود .
- ۳ - پیامبران ^ع بغرض اعلای کلمۃ اللہ تکالیف زیادی را متحمل گردیدہ اند و ما ہم باید بہ پیروی از آنہا این عمل را شمار خویش قرار دہیم .
- ۴ - شیرینی ایکہ در عفو است در انتقام نیست .

تمرین

- ۱ - حضرت محمد (ص)، برای صحابه کرام (رض)، چگونه حکایتی را بیان نمود؟
- ۲ - «مقابل ظلم اشخاص چه روشی را باید اختیار کرد؟»
- ۳ - چه نوع ظلم اشخاص قابل عفو است؟ هرگاه شخصی آگاهانه و با وجود داشتن علم و دانش بالای دیگران همیشه ظالم گردیده و همه افراد باین عقیده و نتیجه برسند که عفو کردن بیشتر باعث جرأت وی بدوام ظلم میگردد، آیا باز هم میتوان در برابر وی از حوصله مندی کار گرفت؟ جواب را مدلل و قانع کننده بیان نمائید.

خدای واحد را ، و شرک نازید با او هیچ چیزی را ، و ترک نماید
آنچه را که پدران شما میگویند . و امری کند مگر به نماز ، راستکاری
پاکدامنی و صلوة رحم .
توضیح معنی حدیث :

اصل قضیه چنین است که پادشاه روم (هرقل) در بیت المقدس
بود که نامه آنحضرت (ص) ، مبنی بر دعوت وی بسوی اسلام برایش رسید .
هرقل تلاش کرد تا شخصی را پیدا کند و از وی در مورد رسول الله (ص) ، معلومات
حاصل نماید . وی چند نفری را یافت که در آن جمله ابوسفیان (که تا هنوز
مسلمان نشده بود) نیز شامل بود .

هرقل از ایشان سوال نموده پرسید : به چه چیز شما را امر میکند ؟
مقصودش حضرت رسول کریم (ص) بود ، ابوسفیان میگوید ، گفتیم :
تعلیم توحید میدهد و میگوید : خدای واحد را قبول کنید و تنها عبادت

حقوق فقراء و مسکین

عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ : قَالَ رَسُولُ اللَّهِ
 صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ :
 السَّاعِي عَلَى الْأَزْمَلَةِ وَالْمُسْكِينِ كَالْمَجَاهِدِ فِي سَبِيلِ
 وَأَحْسَبُهُ قَالَ : وَكَالْقَائِمِ الَّذِي لَا يَفْتُرُ ، وَكَالصَّائِمِ
 الَّذِي لَا يَفْطُرُ .
 (متفق عليه)

معنی بعضی کلمات :

- ۱ - السَّاعِي : تلاش کننده ، کوشش کننده .
- ۲ - الْأَزْمَلَةُ : زن بیوه .
- ۳ - لَا يَفْتُرُ : مانده نمیشود ، احساس کرات نمیکند .
- ۴ - لَا يَفْطُرُ : افطار نمی کند .

معنی حدیث :

از ابو هريرة رضی اللہ عنہ روایت است که گفت : رسول اللہ صلی اللہ علیہ وسلم فرمودند :

کسیکه در راه تأمین معیشت بیوه زن و مسکین سعی بلیغ نماید مانند مجاهد راه خدا (ج) است ، و گمان میکنم که رسول اللہ (ص) گفته: مانند نماز گذاریست که سست و مانده نمیشود ، و مانند روزه داریست که افطار نمیکند (همیشه روزه دار میباشد) .

توضیح معنی حدیث :

از حدیث مبارک فوق الذکر برمی آید که : کسانی که در رفع ضرورت زندگی بیوه زن و یا مسکینی کوشش و تلاش کرده و مسائل ضروری از قبیل خوراک و پوشاک و دیگر ضروریات شان را از راه شروع تأمین و رفع نماید ، مانند کسی است که در راه خداوند (ج) جهاد می کند و یا مانند

شخصیت که تمام شب را بحضور خداوند (ج)، ایستاده (و نماز گذارد) بدون آنکه احساس خستگی و یا ماندگی نماید، و یا هم مانند آن روزه داری است که طور مسلسل روزه بگیرد بدون آنکه افطار نماید. و شکی نیست که ثواب اینگونه اشخاص خیلی زیاد است.

لذا بر ماست تا از احوال مساکین و بیوه زنان و دیگر محتاجین همه وقت با خبر باشیم و احتیاج آنها را در حد و توان و قدرت رفع نموده تا مستحق ثواب و رضا مندی خداوند بزرگ گردیم.

فوائد حدیث :

- ۱ - بهیاء کردن وسائل زندگی بیوه زنان و مساکین اجر عظیم دارد.
- ۲ - کسیکه در راه تأمین معیشت محتاجان و مساکین سعی و تلاش بیشتر نماید تا به مجاهدیت که در راه خدا (ج) جهاد میکند و یا مانند نماز گذار و روزه دار دینی است که از نماز و روزه خود خسته و مانده نمیشود.

تمرین

- ۱ - با اشخاص مسکین و زنان بیوه چه کمک‌هایی را انجام باید داد ؟
- ۲ - کسانیکه وسائل زندگی بیوه زنان ، محتاجان و مسکین را فراهم نمایند مستحق چه نوع اجر و ثواب میگردند ؟
- ۳ - هرگاه شخصی پولی را که از راه حرام و غیر مشروع بدست آورده ، در راه تأمین معیشت بیوه زنی و یا مسکینی خرج و یا آنرا بحتا جین بخشش نماید آیا مستحق ثوابی نزد خداوند (ج) میگردد ؟ مخصوصاً در صورتیکه از ارتکاب اعمال گذشته خود تائب نباشد ؟

حقوق یتیم

عَنْ سَهْلِ بْنِ سَعْدٍ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ : قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ :

أَنَا وَكَافِلُ الْيَتِيمِ لَهُ وَلِغَيْرِهِ فِي الْجَنَّةِ هَكَذَا، وَأُشَارُ بِالسُّبَابَةِ وَالْوُسْطَى، وَفَرَجَ بَيْنَهُمَا شَيْئًا .

معنی بعضی کلمات :

- ۱ - الْيَتِيمُ : عبارت از آن طفلی است که بالغ نبوده و پدرش مرده باشد.
- ۲ - كَافِلُ الْيَتِيمِ لَهُ : سرپرست یتیم که از خود و قریش باشد .
- ۳ - وَلِغَيْرِهِ : یا سرپرست یتیم غیر .

معنی حدیث :

از سهل بن سعد رضی الله عنه روایت است که رسول الله صلی الله

علیه وسلم فرمودند : من و سرپرست یتیم ، برابر است که یتیم از خویشاوندان
 سرپرست باشد یا بیگانه ، در بهشت اینگونه میباشیم : راوی میگوید :
 آنحضرت صلی الله علیه وسلم بانگشان سبابه و میانه اش اشاره نموده و هر دورا
 کمی از هم فاصله داد .

توضیح معنی حدیث :

چون دین مقدس اسلام در پهلوی سائر اوصاف برجسته
 دیگر ، دین تراحم ، محبت ، دوستی ، دستگیری از فقراء و مساکین
 است ، لذا تعالیم جهان شمول و ارزنده آن سرپرستی و شفقت بر یتیمان را
 نیز مورد تاکید مزید قرار داده ، شخص مسلمانی را که بر یتیم رحم نموده
 و وی را نوازش ، و در سرپرستی و تعلیم و تربیه او کوتاهی نمیکند ، مستحق
 اجر عظیم دانسته ، چنانچه درین حدیث مبارک بآن اشاره شده است .
 همچنان در مورد حفظ حقوق یتیم و طرز برخورد با وی آیات متبرکه

زیادی در قرآن عظیم اشان نازل گردیده (۱) چنانچه می فرماید :

فَأَيُّ الْيَتِيمِ فَلَا تَقْهَرْ ... سورة الضحیٰ آیه ۹

ترجمه : ای یتیم را پس نسزم مکن بر آن

وَلَا تَقْرَبُوا مَالَ الْيَتِيمِ إِلَّا بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ حَتَّىٰ يَبْلُغَ أَشُدَّهُ سورة

ترجمه : و نزدیک مشوید به مال یتیم مگر بخصتی که وی نیک است تا آنکه رسد بچوایی خود .

آیات مبرکه که در مورد ایتام بحال یتیم نازل گردیده تمامی ساعات زندگی او را از تربیت بدنی و جسمی گرفته تا واریسی از اموال و دارائی یتیم ، که باید با صداقت

و امانت داری هر چه تا متر صورت بگیرد ، احتوا میکند . و این میرساند

که همه ما باید متوجه حال یتیمان بوده و علاوه بر اینکه بامور تربیه سالم شان سعی بلیغ بخرج دهیم ، از مصرف مال شان بدون ضرورت زیاد و یا بطریق نامشروع

نیز باید اجتناب نماییم . زیرا خوردن مال یتیم را خداوند (ج) به خوردن آتش

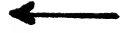
تشبیه نموده است : إِنَّ الَّذِينَ يَأْكُلُونَ أَمْوَالَ الْيَتِيمِ ظُلْمًا إِنَّهُمْ يَكُلُونَ فِي بُكُونِهِمْ

ترجمه : برآینه آنانیکه میخورند اموال یتیمان را به ظلم جز این نیست که میخورند در سکوت خویش

نَارًا وَ سَيَصْلَوْنَ سَعِيرًا

آتش را و در آئیند بدوزخ .

﴿١٦﴾ كَلَّا بَلْ لَا تَهْتَمُّونَ الْيَتِيمَ وَلَا تَحْضُرُونَ عَلَىٰ طَعَامِ الْمَسْكِينِ سورة العنكبوت ١٧ ←



- ۲ - أَرَأَيْتَ الَّذِي يَكْذِبُ بِاللَّيْنِ . فَذَلِكَ الَّذِي يَدْعُ الْيَتِيمَ . سورة الماعون
- ۳ - وَيُطْعِمُونَ الطَّعَامَ عَلَى حُبِّهِ مِسْكِينًا وَيَتِيمًا وَأَسِيرًا . سورة المائدة
- ۴ - لَا تَعْبُدُونَ إِلَّا اللَّهَ . وَالْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا وَذِي الْقُرْبَىٰ وَالْيَتَامَىٰ
وَالْمَسْكِينِ وَقُولُوا لِلنَّاسِ حُسْنًا . سورة البقرة ۸۳
- ۵ - أَوْ اطْعَامٌ فِي يَوْمٍ ذِي مَصْغَبَةٍ يَتِيمًا ذَا مَقْرَبَةٍ ... سورة البلد ۱۵
- ۶ - وَأَتَى الْمَالَ عَلَى حُبِّهِ ذَوِي الْقُرْبَىٰ وَالْيَتَامَىٰ ... سورة البقرة ۱۷۷
- ۷ - أَلَمْ يَجِدْكَ يَتِيمًا فَآوَىٰ وَوَجَدَكَ ضَالًّا فَهَدَىٰ ۖ وَوَجَدَكَ عَائِلًا
فَأَغْنَىٰ ۖ فَامَّا الْيَتِيمَ فَلَا تَقْهَرْ . سورة النجم
- ۸ - وَأَتُوا الْيَتَامَىٰ أَمْوَالَهُمْ وَلَا تَتَبَدَّلُوا الْخَبِيثَ بِالطَّيِّبِ . سورة الانعام ۱۵۲

- ← ۹ - وَأَمَّا الْجِدَارُ فَكَانَ لِغُلَامَيْنِ يَتِيمَيْنِ ... سورة الكهف ۸۳
- ۱۰ - وَلَا تَقْرَبُوا مَالَ الْيَتِيمِ إِلَّا بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ ... سورة الاسراء ۳۴
- ۱۱ - قُلْ مَا آتَقَمْتُمْ مِنْ خَيْرٍ فَلِلَّوَالِدَيْنِ وَالْأَقْرَبِينَ وَالْيَتَامَى ...
- سورة البقرة ۲۱۵
- ۱۲ - وَيَسْأَلُونَكَ عَنِ الْيَتَامَى ، قُلْ إِصْلَاحٌ لَهُمْ خَيْرٌ ... سورة البقرة ۲۲۰
- ۱۳ - وَإِنْ خِفْتُمْ أَلَّا تُقْسِطُوا فِي الْيَتَامَى فَانكِحُوا ... سورة النساء ۳
- ۱۴ - وَابْتَلُوا الْيَتَامَى حَتَّى إِذَا بَلَغُوا النِّكَاحَ ... سورة النساء ۵
- ۱۵ - وَإِذَا حَضَرَ الْقِسْمَةَ أُولُو الْقُرْبَى وَالْيَتَامَى ... سورة النساء ۷
- ۱۶ - إِنَّ الَّذِينَ يَأْكُلُونَ أَمْوَالَ الْيَتَامَى ظُلْمًا إِنَّمَا يَأْكُلُونَ فِي بُطُونِهِمْ نَارًا . سورة النساء ۱۰
- ۱۷ - وَبِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا وَبِذِي الْقُرْبَى وَالْيَتَامَى وَالْمَسَاكِينِ ... سورة النساء ۳۶

- ←
- ۱۸- قُلِ اللّٰهُ يُفْتِيكُمْ فِيْهِنَّ وَمَا يُتْلٰى عَلَيْكُمْ فِي الْكِتَابِ
فِي يَتَمَى النِّسَاءِ ... سورة النساء ۱۲۷
- ۱۹- وَأَنْ تَقُومُوا لِلْيَتَامَىٰ بِالْقِسْطِ ... سورة النساء ۱۲۷
- ۲۰- فَإِنَّ لِلّٰهِ خُمُسَهُ وَلِلرَّسُولِ وَلِذِي الْقُرْبَىٰ وَالْيَتَامَىٰ
سورة الانفال ۱۳۷
- ۲۱- فَلِلّٰهِ وَلِلرَّسُولِ وَلِذِي الْقُرْبَىٰ وَالْيَتَامَىٰ ... سورة الحشر ۷

وی را کرده باشید و هیچ چیزی را با وی شریک نسازید . صرف آن
ذات الهی است که بر آسمانها و زمین قدرت دارد . درین قدرت
و انتظام نه شخصی را شریک خود گردانیده و نه شخصی موجود است که بازور
و قدرت خود با ذات اقدس الهی برابری کرده بتواند . لذا نباید بجز
ذات او تعالی کسی دیگری سجده کرد . و هم در رفع مصائب و حل سائر
مشکلات باید از ذات یگانه او مدد طلبید . و راهی را که مشرکین ،
ملحدین و کفار در پیش گرفته اند ترک نموده بر راه راست یعنی دین مقدس
اسلام که همه خوشبختی های دنیا و آخرت در آن مضمر است رو آورد ،
و به آن متمسک شد .

علاوه بر آن حضرت محمد (ص) ، امری کند تا نماز را با ارکان و
شرایط آن ادا نمائیم ، را سگو و راستکار باشیم ، پاکدامنی را اختیار
کرده کاری را انجام ندهیم که خلاف مقررات و تعالیم عالی اسلام باشد ،

به اتمام رسیده و بیاری خداوند بزرگ مرحله متوسط و ثانوی را آغاز
مینماید، باز هم وظیفه علمی خود را در تهیه یک پروگرام تعلیمی بهتر
که با سائر موازین علمی و اساسات تعلیمی تطابق داشته باشد فراموش
نه نموده است.

کما فی السابق در تهیه و تدوین کتب درسی با استفاده از پروگرام
های تعلیمی سائر تنظیم های جهادی سعی بلیغ بخرج داده است
مرکز تعلیمی افغانستان وظیفه خود میداند تا از استادان دانشمند
و سائر کارکنان محترم مدیریت نصاب تعلیمی که در بوجود آوردن
یک نصاب تعلیمی اسلامی موحد، و مطابق با موازین علمی از
بیچگونه ایثار و فداکاری دریغ نورزیده اند ابراز امتنان و تشکر
نموده موفقیت مزید شانرا در راه خدمت به علم و معارف کشور
آرزو نماید.

امیدواریم نسل جوان و آینده کشور در نتیجه راهنمایی های
خردمندانه و عالمانه استادان فاضل مدارس کشور از آن
استفاده اعظمی نموده، تا برای افغانستان نوین که یک
افغانستان اسلامی آزاد، آباد و پیشرفته خواهد بود عضومفید
بیارایند.

ومن الله التوفیق

مرکز تعلیمی افغانستان

فهرست مطالب

شماره	عنوان	صفحه
۱ -	امر به نیکی و نهی از بدی	۱
۲ -	برخی از تعالیم اسلامی	۷
۳ -	نصیحت و خیر اندیشی	۱۲
۴ -	فضیلت تلاوت قرآن کریم	۱۸
۵ -	عظمت قرآن کریم	۲۴
۶ -	منع تلاوت کتب آسمانی دیگر بعد از نزول قرآن	۲۹
۷ -	فضیلت روز جمعه	۳۴
۸ -	صداقت و راستی	۳۹
۹ -	عبادت مرئوس	۴۵

شماره	عنوان	صفحه
۱۰ -	مقام و درجه شهید	۵۲
۱۱ -	زیارت قبور	۵۸
۱۲ -	طرز سخن گفتن و برخورد با مردم	۶۳
۱۳ -	بهترین اوصاف زن منکوحه	۶۹
۱۴ -	عادل در نظر اسلام کیست ؟	۷۴
۱۵ -	امیر عادل و امیر ظالم	۷۹
۱۶ -	عفو و بخشش	۸۴
۱۷ -	حقوق فقرا و مساکین	۹۰
۱۸ -	حقوق یتیم	۹۴
۱۹ -	حقوق شوهر بر زن	۱۰۲
۲۰ -	تاجر صادق	۱۰۷

شماره	عنوان	صفحه
۲۱-	احتکار	۱۱۳
۲۲-	ریاء و خودنمایی	۱۱۸
۲۳-	اضرار ظلم	۱۲۳
۲۴-	خلق نیکو	۱۲۸
۲۵-	افلاق سیئه	۱۳۴
۲۶-	بدگمانی و بهتان	۱۴۱
۲۷-	حسن صداقت و قبح خیانت	
	در معاملات	۱۴۷
۲۸-	شفقت و ترحم بر یکدیگر	۱۵۲
۲۹-	ضرر رسانی به برادر مسلمان	۱۵۷
۳۰-	توبه و بازگشت بسوی خدای یگانه	۱۶۲

شماره	عنوان	صفحه
۳۱ -	امیدوار بودن بلطف و کرم	
	خداوند تعالی	۱۶۹
۳۲ -	ماخذ	۱۷۵

لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْحَيُّ الْقَيُّومُ
لَا تَأْخُذُهُ سِنَةٌ وَلَا نَوْمٌ
لَهُ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ
مَنْ ذَا الَّذِي يَشْفَعُ عِنْدَهُ إِلَّا بِإِذْنِهِ
يَعْلَمُ الْغُيُوبَ
وَهُوَ الْعَلِيمُ الْخَبِيرُ



مَدِيرِ مَدْرَسَةِ نَصْرَانِيَّة

حدیث شریف

برای صنف نهم

مؤلف: الحاج مولوی ولی الحق «صدیقی» «دیوبندی»



حدیث شریف

برای صنف نهم

مؤلف : الحاج مولوی ولی الحق « صدیقی » « دیوبندی »

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

رَبِّ زِدْنِي عِلْمًا

قَالَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ

فَرُيُودُهُ اسْتَبَدَّ حَضْرَتِ رَسُولِ أَكْرَمِ (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ)

رَضِيتُ بِاللَّهِ رَبًّا وَ

رَاضِيٌّ مِمَّنْ كَرَّمَ اللَّهُ بِرُورِ دُكَّارِ مَا اسْتَبَدَّ

بِالْإِسْلَامِ دِينًا وَ

أَسْلَمَ دِينِ اسْتَبَدَّ

بِمُحَمَّدٍ نَبِيًّا وَرَسُولًا

مُحَمَّدَ (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ) نَبِيٍّ وَرَسُولٍ مَا اسْتَبَدَّ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي خَلَقَ الْإِنْسَانَ وَجَعَلَهُ أَكْرَمَ الْخَلَائِقِ بِالْعِلْمِ
وَالْكَرَمِ وَجَعَلَ أُمَّةً مُّحَمَّدًا خَيْرَ الْأُمَمِ وَأَمَرَهُمْ بِالذَّعْوَةِ وَالْإِرْشَادِ
وَالْجِهَادِ الْمُعَظِّمِ وَالصَّلَاةِ وَالسَّلَامِ عَلَى سَيِّدِ الْإِنْسَاءِ وَمُعَلِّمِ
الْبَشَرِ وَعَلَى أَهْلِ وَأَصْحَابِهِ أَجْمَعِينَ.

اما بعد :

از بدو آغاز جهاد مقدس اسلامی در کشور استادان علما و دانشمندان
ما توجه جدی خویش را در ساحات مختلف رشد فرهنگ اسلامی تحقق
اهداف علمی شاگردان معارف و استفاده از مزایای علم و دانش مبذول
داشته و به این ترتیب وصف شرایط ضیق و وضع ناگوار مهاجرت
باثبات رسانیدند که ملت غیور و قهرمان افغانستان توانسته است مبارزه
شمشیر و قلم هر دو را پهلوی هم در طول بازده سال گذشته ادامه دهند.
مرکز تعلیمی افغانستان که پرسونل و کارکنان آنرا اشخاص ورزیده
ولایق تنظیمهای محترم مختلف جهادی تشکیل میدهند به نوبه خود
کوشیده است تا پروگرام درسی مدارس داخل کشور را با معیارهای
علمی و شرایط کنونی عیار نموده کتب درسی مرحله ابتدائیه
و محتویات آنرا با استفاده از مبنیهای قبول شده تعلیمی تهیه و
بمعروض تطبیق قرار دهد.

و اکنون که بفضل خداوند متعال تهیه و طبع کتب درسی مرحله ابتدائیه